



بررسی و مطالعه سفال‌های دوران اسلامی دشت قره - استان کردستان*

I فرشته شریفی

II محمدابراهیم زارعی

نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۲۱۱-۱۸۹
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۸
شناسه دیجیتال (DOI): 10.30699/PJAS.5.15.189

چکیده

شهرستان قره در جنوب شرقی استان کردستان واقع شده است و از مناطق مرتفع زاگرس محسوب می‌شود. این دشت از دوران تاریخی و اسلامی شرایط زیست محیطی بهتری پیدا می‌کند و همین امر موجب توجه گروه‌های انسانی به آن بوده است. پژوهش‌های باستان‌شناسی در این دشت به نسبت سایر مناطق همجوار به ویژه باستان‌شناسی دوران اسلامی بسیار اندک صورت پذیرفته است. در سال ۱۳۹۷ ه.ش.، دشت و شهرستان قره مورد بررسی و شناسایی باستان‌شناسی قرار گرفت که نتایج این پژوهش بخشی از یافته‌های آن است. یافته‌های مورد بحث، شامل مجموعه سفالینه‌های دوران اسلامی می‌شود که مهم‌ترین هدف این پژوهش تلقی می‌گردد. معرفی و طبقه‌بندی این یافته‌ها و ارائه تصویری از وضعیت سفالگری و گونه‌های رایج سفال دوران اسلامی در این منطقه، ساختار کلی این پژوهش را شکل می‌دهد. پژوهش صورت‌گرفته حاکی از شباهت و تطابق یافته‌های این دشت با مناطق همجوار به ویژه همدان است که از نظر چشم‌انداز محیطی و بستر فرهنگی، شرایط تقریباً یکسانی دارند. پرسش‌هایی که برای این پژوهش مطرح است شامل این موارد می‌شوند: ۱. چه گونه‌هایی از سفال دوران اسلامی در دشت قره قابل شناسایی است؟ ۲. یافته‌های سفالی مورد مطالعه در کدام بازه زمانی تاریخ‌گذاری می‌شوند؟ ۳. یافته‌های سفالی دشت قره با یافته‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای چه وجه تشابه‌ای و تفاوتی دارد؟ نتایج این بررسی نشان می‌دهد که ۱۲ گونه سفالی در مجموعه‌های سطحی دشت قره قابل شناسایی است و می‌توان آن‌ها را از قرون اولیه اسلامی تا عصر حاضر تاریخ‌گذاری کرد. سفال‌های مورد مطالعه از نظر شیوه ساخت و نقوش با مناطق همجوار بسیار به هم نزدیک‌اند و حتی می‌توان گفت که کاملاً شبیه هم هستند، اما در مقایسه با نمونه‌های فرمانطقه‌ای هرچند از نظر شیوه ساخت مشابه هستند، ولی از نظر طرح‌های تزئینی تفاوت‌های کاملاً روشنی دارند.

کلیدواژگان: دشت قره، دوران اسلامی، سفال لعاب‌دار، سفال بدون لعاب.

I. دانشجوی دکتری گروه باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران.

II. استاد گروه باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران (نویسنده مسئول).

me.zarei@basu.ac.ir & mohamadezarei@yahoo.com

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری «فرشته شریفی» به راهنمایی «محمدابراهیم زارعی»، نگارش شده در گروه باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی‌سینا تحت عنوان: «بررسی و تحلیل محوطه‌های دشت قره در دوره اسلامی از دیدگاه باستان‌شناسی منظر با تأکید بر سده‌های میانی» است.

مقدمه

دشت قروه یکی از دشت‌های استان کردستان است که از لحاظ آب و هوا، منابع آب، پوشش گیاهی و جانوری، زمین حاصلخیز و... غنی است، که به استناد بررسی‌های میدانی همواره مورد توجه گروه‌های انسانی بوده است؛ هرچند پیشینه استقرارهای این دشت به دوره مس و سنگ قدیم برمی‌گردد (موچشی، ۱۳۹۰)، اما نقش محوطه‌های اسلامی در این میان پررنگ جلوه می‌کند و یافته‌های باستان‌شناسی نشان از پویا بودن دشت در دوران اسلامی را دارد (شریفی و زینی‌وند، ۱۳۹۸). همان‌طور که می‌دانیم، یکی از مهم‌ترین یافته‌های باستان‌شناسی در بررسی‌های سطحی سفال است که مطالعه آن می‌تواند اطلاعاتی جالبی از جنبه‌های مختلف در اختیار قرار دهد؛ از این رو، برای روشن شدن فرهنگ جوامع و برهمکنش‌های منطقه مورد مطالعه با مناطق دیگر، مطالعه آن‌ها ضروری است. با توجه به پیشرفت‌های مختلف در زمینه هنرها و صنایع مختلف در دوران اسلامی به دلایل گوناگون، هنر سفالگری جایگاه خاصی یافت. هنرمندان سفالگر دوران اسلامی با تلفیق از هنر ایرانی و رومی هنر سفالی متفاوتی نسبت به دوره‌های قبل در جهان اسلام به وجود آوردند (آلن، ۱۳۸۳: ۹)؛ نتیجه آن خلق و تولید آثار سفالی بسیار ارزشمندی در دوران اسلامی بوده که امروزه در بسیاری از محوطه‌های اسلامی رد پای این آثار مشهود است. دو اتفاق مهم دیگر که در صنعت سفالگری دوران اسلامی رخ داده و به پیشرفت آن کمک کرده است؛ یکی استفاده از گلابه به عنوان زمینه تزئینات روی سفال که در قرن سوم به وجود آمد و بعدها ادامه پیدا کرد و دیگری استفاده از خمیره سنگی، که مهم‌ترین اتفاق فناورانه در تاریخ سفالگری ایران قرون میانه به حساب می‌آید، که احتمالاً نخستین بار در مصر توسط فاطمیان به کار رفته است (Lane, 1965: 333; Watson, 2004: 37). تکنیک‌های سفالگری دوران اسلامی تقریباً در جهان اسلام فراگیر بوده، تنها در طراحی نقوش با الهام گرفتن از نقوش محلی متفاوت بوده‌اند. در ابتدا، هنرمندان سفالگر از فن سفالگری مصر، عراق و ایران پیروی می‌کردند، اما در ادامه و در قرن سوم برای خود شیوه جدید به وجود آوردند (دیماند، ۱۳۸۹: ۱۵۶).

پژوهش‌های بسیاری در رابطه با سفال‌های دوران اسلامی به صورت کتاب و مقالات با عناوین مختلف منتشر شده و در دسترس پژوهشگران قرار دارد، و هم‌چنان سفال یکی از مواد فرهنگی بسیار مهم در مطالعات باستان‌شناسی است. به نظر می‌رسد در دوران اسلامی به دلیل روابط گسترده و آسان‌تر، نسبت به دوره‌های پیش، استفاده از یک تکنیک به سرعت در مناطق مختلف گسترش پیدا می‌کرد و هنرمندان محلی با استفاده از ذوق و سلیقه خود با ایجاد تغییرات اندک، این سبک‌های سفالی مختلف را به اجرا درمی‌آوردند و به همین دلیل است که در پژوهش‌های محققین سبک‌های متنوعی از سفال و سفالگری دوران اسلامی شناسایی و معرفی شده‌اند. با این حال، مناطقی هستند که هم‌چنان از وضعیت سفالگری آن‌ها و گونه‌های مختلف سفال در آنجا بی‌خبر هستیم؛ از این رو برای درک پیوندهای فرهنگی، اقتصادی و چگونگی گسترش سنت‌های سفالی گوناگون، مطالعه چشم‌اندازهای مختلف و مناطق گوناگون ضروری است. دشت قروه یکی از این مناطق است که تا به امروز یافته‌های دوران اسلامی آن مورد مطالعه قرار نگرفته است. با توجه به واقع شدن این منطقه در حفاصل بخش‌هایی از غرب ایران، فلات مرکزی و شمال غرب ایران می‌توان امیدوار بود که بررسی مواد فرهنگی دوران اسلامی این مناطق آگاهی‌های تازه‌ای در خصوص موارد پیش‌گفته در اختیار قرار نهد.

پرسش‌های پژوهش: این پژوهش تلاش می‌کند تا با مطالعه مجموعه سفالی به دست آمده از بررسی باستان‌شناسی منطقه قروه به پرسش‌های پیش‌رو پاسخ دهد: ۱. چه گونه‌هایی از سفال دوران اسلامی در دشت قروه قابل شناسایی است؟ ۲. یافته‌های سفالی مورد مطالعه در کدام بازه زمانی تاریخ‌گذاری می‌شوند؟ ۳. یافته‌های سفالی دشت قروه با یافته‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای چه وجه تشابه‌ای و تفاوتی دارد؟

روش پژوهش: این پژوهش توصیفی-تطبیقی است و یافته‌های آن در بررسی میدانی و بازدید از محوطه‌ها و تپه‌های منطقه قروه در استان کردستان گردآوری شده است. در ابتدا، دشت به صورت پیمایشی مورد بررسی قرار گرفت که ۲۴۳ محوطه شناسایی شد و از این تعداد حدود ۱۱۸ محوطه دارای بقایای دوران اسلامی است. در این پژوهش تمام گونه‌های سفالی محوطه‌های شناسایی شده دشت مورد نظر بوده که پس از شناسایی محوطه‌های دوران اسلامی و گردآوری یافته‌های سفالی مطالعه به صورت کتابخانه‌ای و با استفاده از منابع و مستندات موجود انجام گرفت. در این بخش تلاش شد یافته‌های مورد مطالعه با نمونه‌های مشابه و هم‌عصر مورد سنجش قرار گرفته تا قدمت نسبی آن‌ها مشخص شود.

پیشینه پژوهش در منطقه

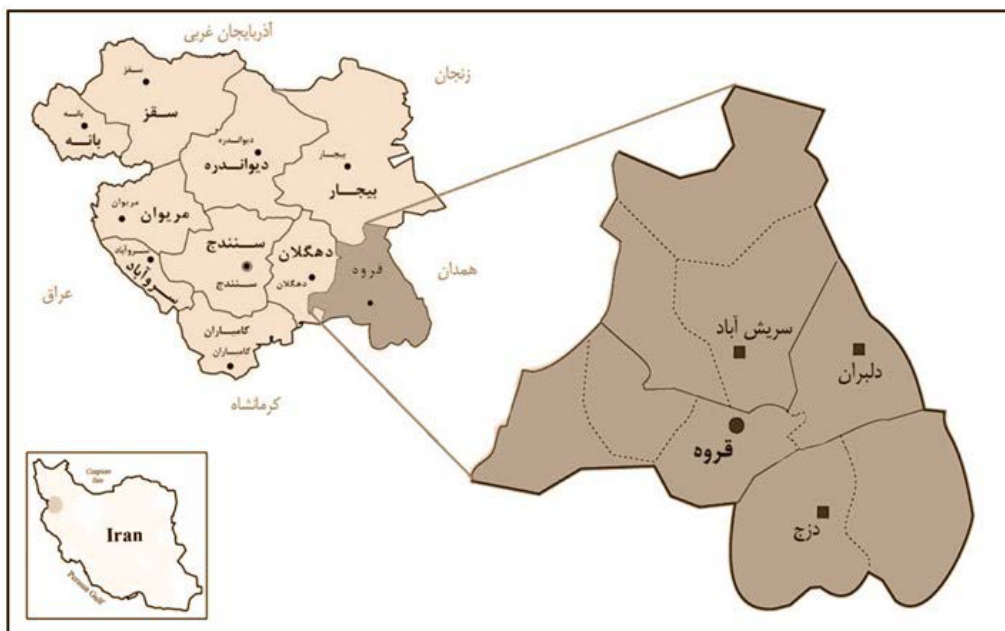
تا پیش از این، پژوهش‌های باستان‌شناسی دشت قروه شامل چندین فصل بررسی میدانی شده بود که شامل بررسی بخش چهاردولی شرقی و غربی در سال ۱۳۷۸ ه.ش. توسط «اقبال عزیزی» (عزیزی، ۱۳۷۸)، بررسی بخش مرکزی در سال ۱۳۸۶ ه.ش. توسط «زاهد کریمی» (کریمی، ۱۳۸۶) و بخش سریش‌آباد در سال ۱۳۸۷ ه.ش. توسط «علی بهنیا» (بهنیا، ۱۳۸۷) است. باید امیدوار بود که نتایج این بررسی‌ها و گزارش‌های حاصل از آن‌ها منتشر گردد تا علاوه بر شناخت مواد فرهنگی، الگوهای فرهنگی-جغرافیایی حاکم بر شکل‌گیری استقرارها و تداوم یا گسست سیر تاریخی منطقه مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. با این‌که در دشت قروه هیچ‌گونه کاوش گسترده باستان‌شناسی صورت نگرفته، اما در شماری از محوطه‌ها از جمله در محوطه‌هایی چون: دلبران (عزیزی، ۱۳۸۵)، میهم (کریمی، ۱۳۸۵)، شیدا (کریمی، ۱۳۸۵)، کبودخانی (اشتودان، ۱۳۸۸) و گلالی (موجشی، ۱۳۹۷) گمانه‌زنی انجام گرفته است.^۱ با توجه به این‌که مواد فرهنگی و به‌ویژه سفال دوران اسلامی این دشت مورد مطالعه قرار نگرفته، این پژوهش به معرفی سفال‌های دوران اسلامی قروه اختصاص یافته است. از مطالعات سفال دوران اسلامی مناطق هم‌جوار می‌توان به: کتاب بیستون که دو مقاله سفال‌های کاروانسرای قدیمی و سفال‌های به‌دست آمده از بنای مغولی نوشته (لوشای-شمایسر، ۱۳۸۵)، مقاله بررسی و تحلیل گونه‌شناسی سفالینه‌های آغاز دوران اسلامی تا پایان دوره صفوی منطقه همدان (زارعی و شعبانی، ۱۳۹۸)، گونه‌شناسی و تحلیل سفال‌های دوران اسلامی دشت توپسرکان (نظری‌ارشد و بیک‌محمدی، ۱۳۹۶) و... اشاره کرد.

موقعیت جغرافیایی طبیعی و تاریخی دشت قروه

شهرستان قروه منطقه‌ای کوهستانی در جنوب شرقی استان کردستان است. شهر قروه، مرکز این شهرستان که بین ۴۷ درجه و ۴۸ دقیقه طول جغرافیایی و ۳۵ درجه و ۱۰ دقیقه عرض جغرافیایی قرار دارد. این شهرستان شامل سه بخش: مرکزی، سریش‌آباد و چهاردولی، به ترتیب با مرکزیت قروه، سریش‌آباد و دزج است. علاوه بر این، شهرستان قروه از شرق به استان همدان و از جنوب به استان کرمانشاه محدود می‌شود. شهر قروه در ارتفاع ۱۹۰۰ متری از سطح آب‌های آزاد و آب و هوای آن سرد و چشم‌اندازی استپی / کوهستانی دارد. این شهرستان با ۲۴۳۰ کیلومتر مربع وسعت، در میان دو رشته‌کوه واقع گردیده است. رودخانه شور مهم‌ترین رود این شهرستان بوده که یکی از شاخه‌های اصلی حوضه رود تالوار محسوب می‌شود (سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور، ۱۳۷۶)، (تصویر ۱).

قروه به دلیل نزدیکی به راه خراسان بزرگ و قرار گرفتن بر سر مسیر ارتباطی غرب به شمال غرب ایران از اهمیت بسزایی برخوردار است. در قرون اولیه و میانی که در همسایگی همدان و اسدآباد واقع شده، ظاهراً بدون مرکز شهری تابع همدان بوده است. در قرن نهم هجری قمری به بعد از

همدان و ایالت آن تحت عنوان «قلمروی علی شکر» نام می‌برند؛ زیرا در حدود ۸۵۰ تا ۸۶۰ ه.ق .. ایالت همدان و توابع آن از جانب «میرزا جهانشاه» به «میرزا علی شکر» واگذار می‌شود (طهرانی، ۱۳۵۶: ۲۹۷). بلوک اسفندآباد (دشت قروه امروزی) در دوره «قراقویونلو» جزو همدان بوده است که به «امیر علی شکر» واگذار می‌شود (سنندجی، ۱۳۷۵: ۴۴۲)؛ سپس در دوره عثمانی، اردلان‌ها از دیاربکر به گوران و کلهر مهاجرت و به سرعت گسترش پیدا کردند (Longrigg, 1925: 6). دشت قروه نیز بخشی از کردستان می‌شود که تحت حاکمیت طایفه اردلان درمی‌آید؛ ناحیه بین کرمانشاه و آذربایجان را «اردلان» می‌خوانند (بارتولد، ۱۳۷۷: ۲۶۷). طایفه اردلان در ابتدا بر شهر زور فاتح شد و دیگر شهرهای کردستان را در دست گرفتند (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۸۳). از قروه در دوره قاجاریه به عنوان «بلوک اسفندآباد» یاد می‌کنند و مرکز حکومتی آن «قصبه قصلان» بوده است. بیشتر روستاهای امروزی دشت قروه در دوره‌های زندیه و قاجاریه با اسکان ایلات که بیلاق خود را آنجا می‌گذراندند و یا از عراق کوچانده شده‌اند، به وجود آمده‌اند که از جمله آن‌ها: برآز ایلات کرد همراه با الناق «حسنعلی خان» حاکم کردستان با «کریم خان زند» در افتاده جنگ‌ها کردند، بعدها متفرق شده و در قریه یالغوزآغاچ اسفندآباد سی خانوار و سایر دهات متفرقه سکونت اختیار کرده‌اند (ستوده، ۱۳۸۵: ۱۱). برای نمونه، «اسماعیلی» یکی از طوایف گرد است که در گذشته در شهر زور می‌زیسته‌اند و در زمان «فتحعلی شاه» (۱۲۱۱ تا ۱۲۵۰ ه.ق ..) به محال اسفندآباد آمدند و در آنجا ساکن شدند (همان: ۳۱). قروه نیز نام روستای کوچکی در بلوک اسفندآباد بوده است که «سنندجی» (۱۳۷۵: ۲۴) به آن، این‌گونه اشاره می‌کند: در بلوک اسفندآباد قریه قروه که وسط راه سنندج همدان است دستگاه تلگراف خانه داشته‌اند. بعد از توسعه و تغییر جاده سنندج-همدان این روستا گسترش پیدا کرده و مرکزیت از قصبه قصلان به قروه تغییر یافته است و در حال حاضر بزرگ‌ترین مرکز شهری این دشت محسوب می‌شود.

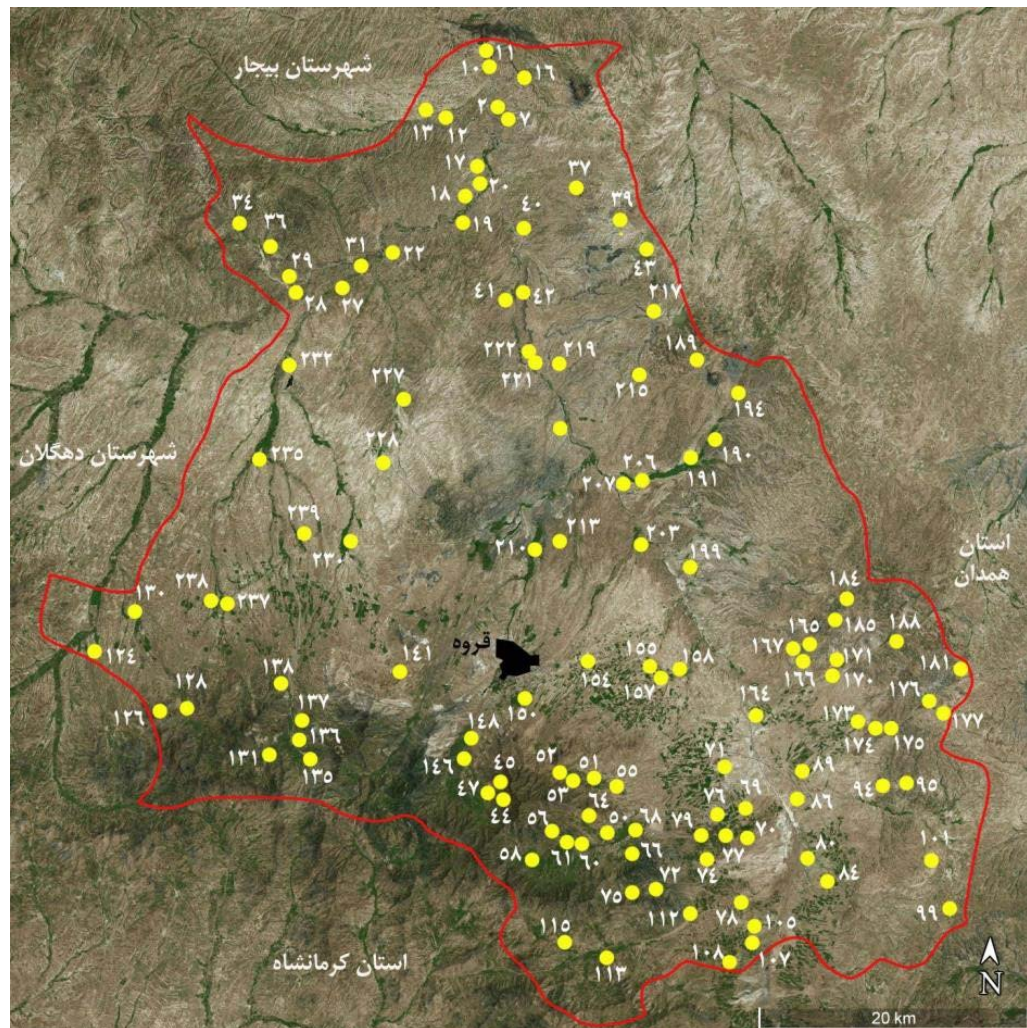


تصویر ۱. موقعیت قروه در نقشه سیاسی کشور (شریفی و زینی‌وند، ۱۳۹۸).

محوطه‌های دوران اسلامی دشت قروه

در سال ۱۳۹۷ ه.ش. دشت قروه مورد بررسی باستان‌شناختی قرار گرفت (شریفی و زینی‌وند، ۱۳۹۷). در این دشت ۲۴۳ محوطه شناسایی شد که ۱۱۸ محوطه آثار و بقایای استقرار دوران

اسلامی برخوردارند؛ از این محوطه‌ها به‌غیر از دو پل و دو حمام، یک قنات و یک کانال که یافته سفالی نداشته‌اند، مابقی دارای یافته سفالی بودند و در این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفت که ۱۲ گونه سفال دوران اسلامی در مجموع شناسایی شد. از محوطه‌های اسلامی مهم در دشت می‌توان تپه‌های اسفندآباد، مشهدی‌آقا (شهاب‌الدین)، خیرویس، آق‌کند، وینسار، سجان‌تپه، عبدال‌آباد، تپه میره سلیمان آغاسی و حسین‌آباد نام‌برد (تصویر ۲).



تصویر ۲. پراکنش محوطه‌های دوران اسلامی در دشت قره‌ه (Google Earth, 2019).

طبقه‌بندی سفال‌های دشت قره‌ه

۱۲ گونه سفالی دوران اسلامی از بررسی‌های سطحی دشت قره‌ه به‌دست آمده بود که به‌طور کلی به دو دسته لعاب‌دار و بدون لعاب تقسیم می‌شوند و در ادامه به بررسی آن‌ها می‌پردازیم. باید امیدوار بود در آینده با انجام کاوش در برخی از مهم‌ترین محوطه‌های اسلامی و سن‌سنجی‌های مطلق، پژوهش‌های بیشتر و تاریخ‌گذاری دقیق‌تری صورت پذیرد.

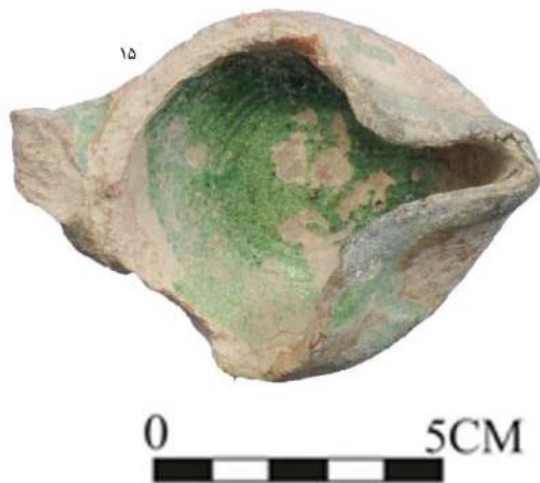
سفال‌های لعاب‌دار

سفال‌های لعاب‌دار نقش مهمی در تاریخ سفال دوران اسلامی ایفا نموده‌اند. لعاب برای اولین بار در سده چهارم پیش از میلاد در مصر تولید و عرضه شد؛ این نوع سفالینه‌ها بعدها در دوره اشکانی

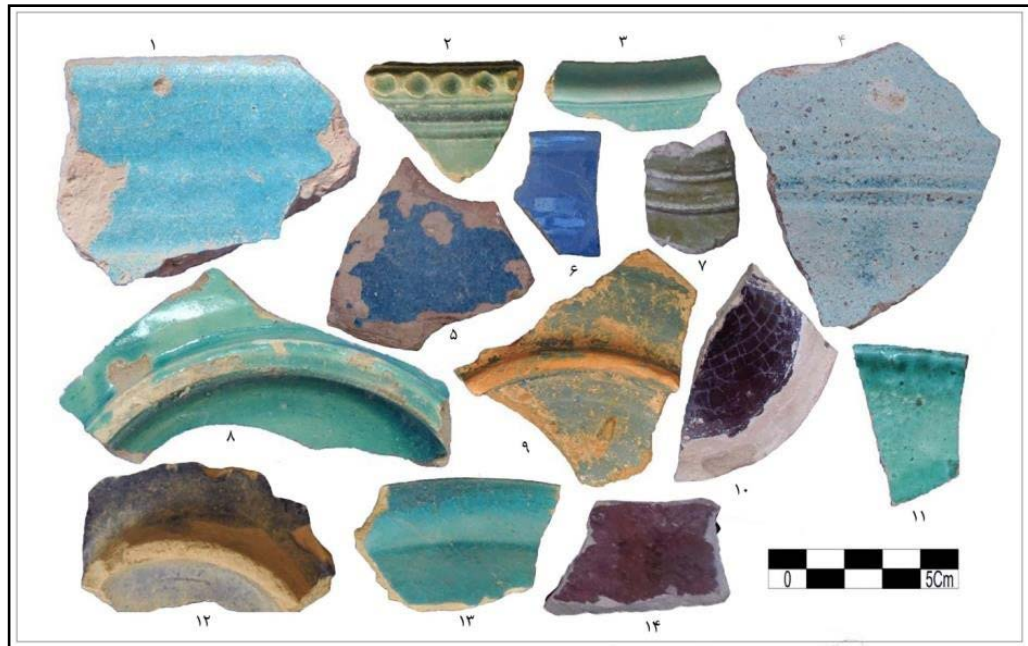
و ساسانی در سوریه، ایران و میان‌رودان رایج شدند (فهروری، ۱۳۸۸: ۹). در قرون اولیه اسلامی، تنوعی در رنگ و لعاب به وجود نیامده و از همان لعاب قلیا و مات رایج در طیف محدودی استفاده شده است (توحیدی، ۱۳۷۸: ۲۶۰). از آنجایی که در دوران اسلامی به‌ویژه از قرون سوم و چهارم هجری قمری، ظروف لعاب‌دار مورد علاقه هنرمندان سفالگر قرار گرفته و لعاب به صورت گسترده استفاده شده است. در محوطه‌های اسلامی تعداد زیادی یافته‌های سفالی لعاب‌دار یافت می‌شود؛ به تبع در دشت قره‌ه نیز همین وضعیت حکمفرماست. در بررسی‌های سطحی دشت قره‌ه، هفت گونه سفال لعاب‌دار شناسایی شد که در ادامه به بررسی آن‌ها پرداخته خواهد شد.

لعاب تک‌رنگ

در بررسی سطحی حدود ۸۰/۹ درصد از محوطه‌های دوران اسلامی دشت قره‌ه، سفال با لعاب تک‌رنگ گردآوری شد. پراکندگی سفال با لعاب تک‌رنگ و خمیره شبه‌چینی و رُسی بر سطح محوطه‌های دشت قره‌ه، به‌ویژه استقرارگاه‌های مربوط به قرون متأخر چشم‌گیر است. در قرون اولیه اسلامی سفال با خمیره رُسی و از قرون میانه به بعد سفال با هر دو خمیره رُسی و شبه‌چینی در مجموعه مورد مطالعه وجود دارد. لعاب سفال‌های تک‌رنگ دشت قره‌ه به صورت سبز، فیروزه‌ای و آبی است و در موارد نادری به رنگ بادمجانی یا قهوه‌ای نیز دیده می‌شود که رنگ خمیره نخودی، نخودی مایل به قرمز با آمیزه ماسه بادی دارند. ظروف دارای فرم‌های متنوعی هستند، اما فرم دهانه‌باز بیشترین فراوانی را دارد. این ظروف از نظر کیفیت ساخت در رده متوسط مایل به زمخت قرار می‌گیرند. سفال‌های لعاب‌دار اغلب با شیوه چرخ‌ساز ساخته شده‌اند و تعدادی از آن‌ها دارای کف حلقوی هستند، که این نوع کف از قرن ۵ ه.ق.، به بعد در ایران تولید شده است. در موارد بسیار نادر، تزئینات برجسته زیرلعاب مانند طنابی روی لبه ظرف در مجموعه مورد مطالعه وجود دارد. براساس مقایسه‌های صورت‌گرفته، بیشتر ظروف مورد مطالعه که دارای خمیره چینی هستند، در بازه زمانی قرون ۶ و ۷ ه.ق. قرار می‌گیرند و نمونه‌های سفالی با خمیره رُسی مجموعه در بازه زمانی قرون اولیه اسلامی و متأخر (۱۳-۱۰ ه.ق.) قرار می‌گیرند. تنها نمونه سفالی سالم از نمونه‌های مورد مطالعه که می‌توان در این گروه قرار داد، یک پیه‌سوز است که لعاب سبزرنگ دارد و مربوط به قرون ۶ و ۷ ه.ق. است (تصویر ۳). سفال با لعاب تک‌رنگ به دلیل سهولت در تولید، دارای فراوانی چشم‌گیری در اکثر محوطه‌های دوران اسلامی در مناطق مختلف است و از همین رو دشت قره‌ه نیز از این قاعده مستثنی نیست (تصویر ۴).



تصویر ۳. پیه‌سوز سفالی محوطه خیرویس (نگارندگان، ۱۳۹۷).



تصویر ۴. نمونه‌هایی از سفال با لعاب تک‌رنگ (نگارندگان، ۱۳۹۷).

جدول ۱. مشخصات سفال تک‌رنگ (نگارندگان، ۱۳۹۷).

ش	نوع تکنیک	نام محوطه	ت. نسبی هق.	نمونه قابل مقایسه درون منطقه‌ای
۱	لعاب تک‌رنگ	محمدصالح (۱۰)	قرون متاخر	تویسرکان (نظری‌ارشد و بیگ‌محمدی، ۱۳۹۶: ۶۲۳).
۲	لعاب تک‌رنگ	مهشدی (۱۰۵)	قرون میانه	محوطه کول‌تپه همدان (شعبانی، ۱۳۹۴: ۱۴۴).
۳	لعاب تک‌رنگ	اسفندآباد (۱۰۸)	قرون میانه	محوطه درگزین (زارعی، ۱۳۹۱: ۳۰۳).
۴	لعاب تک‌رنگ	آقکند (۷۰)	قرون میانه	تویسرکان (نظری‌ارشد و بیگ‌محمدی، ۱۳۹۶: ۶۲۳).
۵	لعاب تک‌رنگ	شوراب‌هزاه (۴۰)	قرون میانه	ملایر (جانجان، ۱۳۹۱: ۱۲۶).
۶	لعاب تک‌رنگ	تپه فرهادآباد (۱۹)	قرون میانه	زینوآباد (محمدی و شبانی، ۱۳۹۵: ۱۴۴).
۷	لعاب تک‌رنگ	مری ویس (۴۳)	قرون میانه	بنای مغولی بیستون (لوشای-شمایسر، ۱۳۸۵: آلبوم ۳۱).
۸	لعاب تک‌رنگ	مهدی خان (۲۲۱)	قرون میانه	سنقر (باقری، ۱۳۹۴: ۸۳).
۹	لعاب تک‌رنگ	بدون نام (۶۴)	قرون میانه	بنای مغولی بیستون (لوشای-شمایسر، ۱۳۸۵: آلبوم ۳۲).
۱۰	لعاب تک‌رنگ	کبودخانی (۱۲۴)	قرون میانه	بنای مغولی بیستون (لوشای-شمایسر، ۱۳۸۵: آلبوم ۳۲).
۱۱	لعاب تک‌رنگ	بدون نام (۷)	قرون میانه	سامن (همتی، ۱۳۹۶: ۱۹۵).
۱۲	لعاب تک‌رنگ	میره (۷۰)	قرون متاخر	تخت‌سلیمان (WadeHaddon, 2011:98)
۱۳	لعاب تک‌رنگ	پیروز آباد (۱۰۷)	قرون میانه	محوطه درگزین (زارعی، ۱۳۹۱: ۳۰۳).
۱۴	لعاب تک‌رنگ	بدون نام (۷۷)	قرون میانه	سنقر (باقری، ۱۳۹۴: ۴۹).
۱۵	لعاب تک‌رنگ	خیرویس (۷۴)	قرون میانه	(Wilkinson, 1973: 211).

اسگرافیاتو

از ۳۵ درصد محوطه‌های اسلامی دشت قروه، سفال اسگرافیاتو به دست آمده است. اسگرافیاتو با نقش‌کنده خطی و تراش زیرلعاب (گروس) است. خمیره این سفال‌ها نخودی مایل به قرمز با آمیزه ماسه بادی بوده و فرم بیشتر آن‌ها ظروف دهانه‌باز (بشقاب و کاسه) است. با توجه به حوزه‌بندی پیشنهادی «شاطری» (۱۳۹۴: ۱۲-۱) برای این گونه، سفال‌های مورد مطالعه قروه در حوزه شمال غرب و غرب ایران قرار می‌گیرد و با سفال‌های به دست آمده از مناطق همجوار

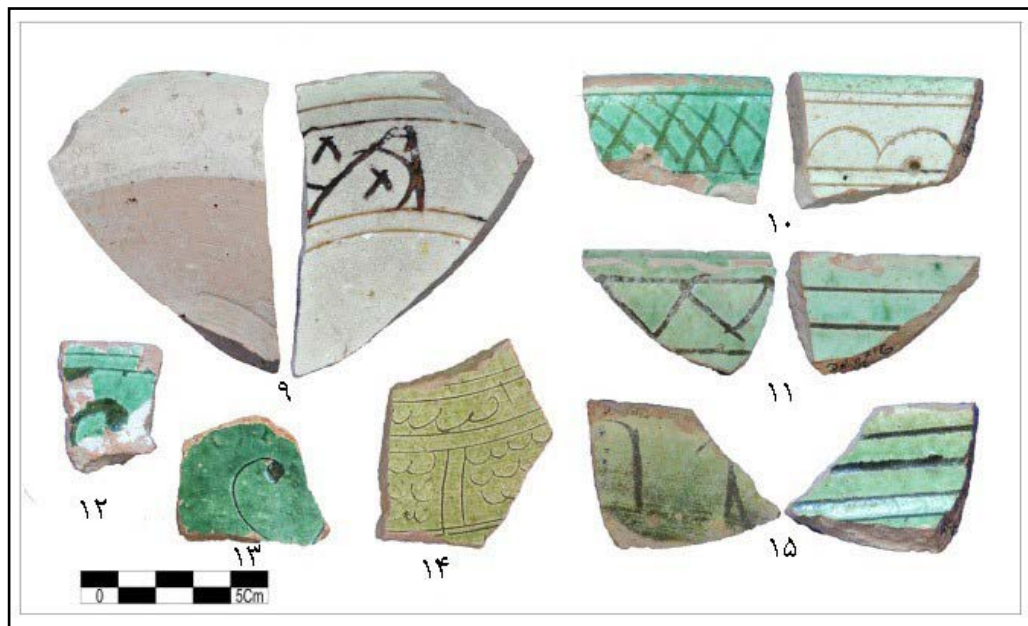
چون محوطه‌های شهرستان سنقر از جمله تپه‌گنجی و تپه‌پارسینه (باقری، ۱۳۹۴: ۴۹)، درگزین، هگمتانه، زینوآباد همدان و... از نظر شیوه و نوع نقوش مشابه هستند. سفال‌های اسگرافیاتو مورد مطالعه با نقش کنده خطی، شامل نمونه‌های تک‌رنگ سبز تیره مایل به زیتونی، سبز، زرد مایل قهوه‌ای، سفید، ترکیب سفید و سبز و لعاب پاشیده هستند. ترکیب رنگ سبز و سفید در بین آن‌ها بیشترین کمیت (حدود ۱۵ درصد) را داراست. معمولاً رنگ سفید داخل ظرف و رنگ سبز بیرون و بخشی از لبه داخلی را دربر می‌گیرد. بیشتر قطعات مربوط به لبه ظرفی چون بشقاب‌ها یا کاسه‌ها هستند. تزئینات این ظروف به صورت هندسی در یک کادر مشخص روی لبه ایجاد شده است. این کادرها در اکثر موارد به صورت خطوط موازی هستند. در مواردی خطوط زیگزاگی منظم بین دو خط موازی ترسیم شده که مثلث‌های یک‌اندازه‌ای را تشکیل داده‌اند. در برخی قطعات، نقوش دایره‌ای داخل این خطوط (کادرها) قرار گرفته‌اند. تعدادی از ظروف نیز به صورت شبکه‌ای تزئین شده‌اند؛ هم‌چنین لوزی‌های منظم در بین دو خط موازی که در برخی موارد، یک خط موازی دیگر در وسط آن‌ها، لوزی‌ها را به مثلث یکسان تقسیم کرده، از جمله دیگر نقش‌مایه‌های به‌کاررفته در تزئین این ظروف است. اما خطوط مدور به شکل فرم ظرف بیشتر در طرف مخالف تزئینات مذکور، به‌ویژه قسمت داخلی ظروف ایجاد شده است. آن‌چه از تزئینات این قطعات کوچک سفالی می‌توان برداشت کرد، این است که در زیر لبه، بیشتر از نقوش هندسی استفاده شده است؛ اما چون قطعات بزرگ‌تری در دست نیست، نمی‌توان در مورد تزئینات کل ظرف نظر داد. اسگرافیاتو نوع گروس (گبری) در شمال غرب فراوانی بیشتری دارد (Watson, 2004: 260). سفال‌های لعاب‌دار نوع گروس مورد مطالعه، شامل نمونه‌های نقش تراشی زیر لعاب تک‌رنگ سبز با خمیره رسی نخودی مایل به قرمز است. تزئینات، نقش تراش روی زمینه سبز یا سفید، نقوش روی قسمت داخلی یک ظرف، احتمالاً قسمتی از نقش یک پرنده باشد؛ این قطعات به اندازه‌ای کوچک هستند که نوع پرنده یا حیوان قابل تشخیص نیست. این نوع ظروف در مجموعه مورد مطالعه بین قرون ۴ تا ۷ ه.ق.، تاریخ‌گذاری می‌شوند. مرکز اصلی این نوع ظروف و نوع تزئینات آن‌ها را باید در سمرقند و نیشابور جست؛ ولی هنرمندان ناحیه‌های دیگر، مانند: آمل، کردستان و آق‌کند ابتکار و خصوصیات ذوق خود را به آن اضافه کرده‌اند (پوپ: ۱۳۸۷، ۹۵). قطعات سفال مورد مطالعه کاملاً مشابه آن‌چه در استان کرمانشاه، بیستون (Kleiss & Calmeyer, 1996: 263) محوطه پلنگ‌گرد (خسروی و رشنو، ۱۳۹۱: ۵۱۹) بررسی‌های سرپل‌ذهاب (علی‌بیگی، ۱۳۹۴)، استان همدان (زارعی و همکاران، ۱۳۹۳؛ محمدی و شعبانی، ۱۳۹۵؛ همتی‌ازندریان و همکاران، ۱۳۹۶)، دیگر بررسی‌های شهرهای استان کردستان (نوری، ۱۳۸۹؛ بختیاری، ۱۳۸۷)، تخت‌سلیمان (Osten, 1961: 182) و زنجان (عالی، ۱۳۸۵ الف؛ ۱۳۸۳) یافت شده است، می‌باشد. در مقایسه فرامنطقه‌ای نیز با تفاوت‌های اندک، ولی با سفال‌هایی با شیوه ساخت کاملاً مشابه هستند و می‌توان نمونه‌های به‌دست‌آمده از دشت قروه را با نمونه‌های به‌دست‌آمده از نیشابور (Wilkinson, 1973: 252)، سیراف (اسماعیلی‌جلودار، ۱۳۹۴: ۲۹۵) و کاشان (Watson, 2004: 262) مقایسه کرد. تنوع این نوع سفال در حوزه فرهنگی شمال غرب و غرب، نه تنها در ایران، بلکه در جهان اسلام بی‌نظیر است (شاطری، ۱۳۹۴: ۳)، (تصاویر ۵ و ۶).

نقاشی زیر لعاب

از حدود ۶ درصد محوطه‌های دشت قروه، سفال‌هایی با نقاشی زیر لعاب مشاهده شد که به دو گروه تقسیم می‌شوند؛ گروه اول، سفال با تزئین نقاشی زیر لعاب موسوم به «قلم مشکی» است. این نوع سفال، هم با خمیره رسی نخودی مایل به قرمز و هم با خمیره شبه چینی تولید شده است. این ظروف تماماً چرخ‌ساز هستند و نقاشی با رنگ سیاه روی زمینه فیروزه‌ای ایجاد شده



تصویر ۵. نمونه‌های از سفال با تکنیک اسگرافیاتو (نگارندگان، ۱۳۹۷).



تصویر ۶. نمونه‌هایی از سفال با تکنیک اسگرافیاتو (نگارندگان، ۱۳۹۷).

و در پایان با لعاب شفاف پوشش داده شده‌اند. روشی که در سده ششم ه.ق.، در دوره سلجوقی متداول شد و از مراکز مهم آن: گرگان، نیشابور، سمرقند، آمل و ساری است (کامبخش فرد، ۱۳۸۶: ۴۶۹). گروه دوم، نقوش سیاه روی زمینه سفید است؛ این گروه در مجموعه مورد مطالعه، خمیره زُسی نخودی، شاموت ماسه‌بادی و پخت کافی دارند. این شیوه تزئین در قرن چهارم ه.ق.، شروع می‌شود (Wilkinson, 1973: 91) و تولید آن تا دوران متأخر تداوم پیدا می‌کند. مهم‌ترین مرکز ساخت این نوع سفال، نیشابور است (توحیدی، ۱۳۷۸: ۲۶۲). سفال‌های مورد مطالعه با سبک نقاشی زیرلعاب را می‌توان به قرون ۵ تا ۷ ه.ق.، نسبت داد. نوع نقش به دلیل کوچک بودن قطعات سفال گردآوری شده، قابل تشخیص نیست؛ هم‌چنین با نمونه‌های به دست آمده از

جدول ۲. مشخصات سفال اسگرافیاتو (نگارندگان، ۱۳۹۷).

ش	محوطه	نوع	ت. نسبی هق.	نمونه‌های مقایسه‌ای مناطق همجوار	نمونه‌های مقایسه‌ای برون منطقه‌ای
۱	بدون نام (۲)	اسگرافیاتو	۵-۷	بیستون (لوشای-شامیسر، ۱۳۸۵: آلبوم ۳۱).	بامیان (مورگان، ۱۳۸۴: ۳۷۲).
۲	تپه حسین‌آباد (۱۳)	اسگرافیاتو	۵-۷	پلنگرد (خسروی).	مصر (فهروری، ۱۳۸۸: ۵۴).
۳	شیدا (۲۳۵)	اسگرافیاتو	۶-۷	درگزین (زارعی، ۱۳۹۱: ۲۸۲).	کاشان (Watson, 2004: 262).
۴	سجان تپه (۱۸۱)	اسگرافیاتو	۵-۷	پلنگرد (خسروی، ۱۳۹۱: ۵۱۹).	بامیان (مورگان، ۱۳۸۴: ۳۷۲).
۵	عبدل‌آباد (۱۸)	اسگرافیاتو نوع گروس	۵-۷	بیستون (لوشای - شامیسر، ۱۳۸۵: آلبوم ۳۰).	Mason, 2004: 111.
۶	تپه مشهدی (۱۰۵)	اسگرافیاتو	۵-۷	تخت سلیمان (Wade, 2011: 143).	(پوپ، ۱۳۸۷: ۶۱۷).
۷	تپه جعفر (۳۱)	اسگرافیاتو نوع گروس	۵-۷	بیستون (لوشای - شامیسر، ۱۳۸۵: ۲۲۲).	کاشان (Watson, 2004: 262).
۸	تپه وینسار (۸۰)	اسگرافیاتو	۵-۷	محوطه هگمتانه (رنجبران، ۱۳۹۲: ۳۶۹).	(Watson, 2004: 254).
۹	بدون نام (۲۱۵)	اسگرافیاتو	۵-۷	سنقر (باقری، ۱۳۹۱: ۱۲۱).	سیراف (اسمعیلی‌چلودار، ۱۳۹۰: ۲۳۵).
۱۰	تپه حسین‌آباد (۱۲)	اسگرافیاتو	۴-۵	زنجان (عالی، ۱۳۸۵: ۴۱).	نیشاپور (Wilkinson, 1897: 252).
۱۱	قصلان (۲۱۰)	اسگرافیاتو نوع گروس	۵-۷	تخت سلیمان (Watson, 2004: 261).	کاشان (Watson, 2004: 262).
۱۲	مورینه (۲۲)	اسگرافیاتو نوع گروس	۵-۷	تخت سلیمان (Osten, 1961).	(گروه، ۱۳۸۴: ۱۰۹).
۱۳	تپه میره (۷۰)	اسگرافیاتو نوع گروس	۵-۷	موش (بختیاری، ۱۳۸۷: ۱۴۰).	(فهروری، ۱۳۸۸: ۳۰).
۱۴	روان تپه (۸۴)	اسگرافیاتو	۵-۷	بیستون (لوشای - شامیسر، ۱۳۸۵: آلبوم ۳۰).	نرگه (گنجوی، ۱۳۸۶: ۲۲۶).
۱۵	آق‌کند (۷۱)	اسگرافیاتو نوع گروس	۵-۷	زنجان (عالی، ۱۳۸۵: ۴۱).	نیشاپور (Wilkinson, 1897: 252).



تصویر ۷. منتخبی از گونه سفالی نقاشی زیر لعاب (نگارندگان، ۱۳۹۷).

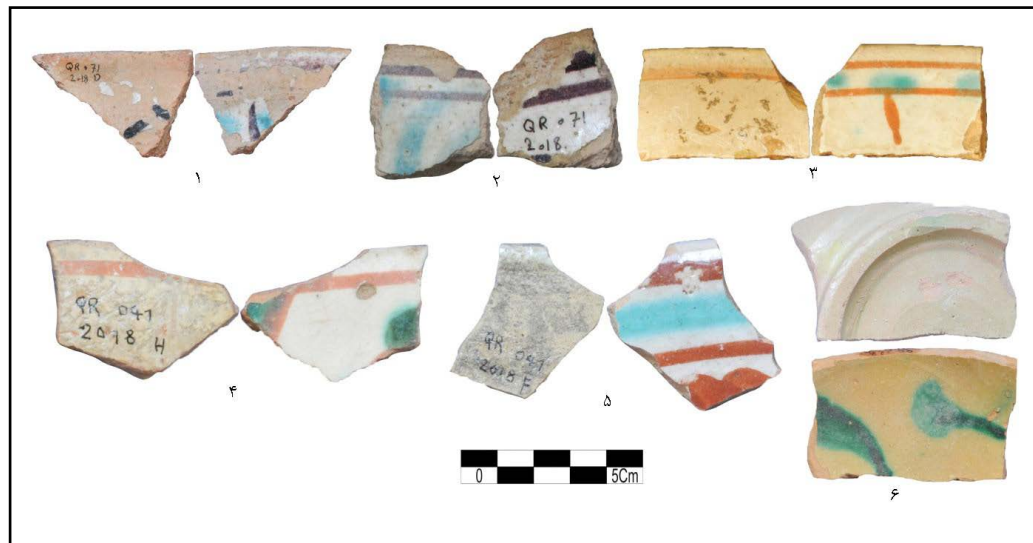
همدان (زارعی و شعبانی، ۱۳۹۸: ۱۳۰)، محوطه موسوم به «معد لائودیسه» نهاوند (رهبر، ۱۳۹۰: ۴۳)، تخت سلیمان (Wade Hoden, 2011: 143)، اردبیل (یوسفی، ۱۳۸۶: ۱۸۳)، سوریه (دیماند، ۱۳۸۹: ۲۶۲) قابل مقایسه هستند (تصویر ۷).

نقاشی روی لعاب

نقاشی با رنگ‌های متنوع روی لعاب از دوره سلجوقی گسترش یافته است (کامبخش‌فرد، ۱۳۸۶: ۴۶۳). براساس بررسی‌های صورت‌گرفته از حدود ۵ درصد از محوطه‌های دشت قروه، سفال با نقوش روی لعاب به دست آمده است. نمونه‌های مورد مطالعه با نقاشی روی لعاب به دو گروه تقسیم می‌شوند؛ گروه نخست، با خمیره نخودی و آمیزه ماسه بادی هستند. این ظروف چرخ‌سازند و پخت کافی دارند. گروه دوم نیز با خمیره شبه چینی، در دسته سفال ظریف قرار

جدول ۳. مشخصات نمونه‌های نقاشی زیر لعاب (نگارندگان، ۱۳۹۷).

ش	محوطه	نوع	ت. نسبی هق.	نمونه‌های مقایسه‌ای مناطق همجوار	نمونه‌های مقایسه‌ای برون منطقه‌ای
۱	مهدی‌خان (۲۳۱)	سیاه قلم	۶-۸	بیستون (لوشای - شمایسر، ۱۳۸۵: ۴۹).	شهر بلقیس (کمال‌هاشمی، ۱۳۹۰).
۲	مهدی‌خان (۲۳۱)	سیاه قلم	۶-۸	زینوآباد (محمدی و شعبانی، ۱۳۹۸: ۱۱۶).	مصر (Watson, 2004: 296).
۳	علیوردی (۲۳۲)	سیاه قلم	۶-۸	محوطه درگزین (زارعی، ۱۳۹۱: ۳۰۴).	نیشابور (گروه، ۱۳۸۴: ۱۷۲).
۴	شوراب حاجی (۲۲۸)	سیاه قلم	۶-۸	فامنین (بختیاری، ۱۳۸۸: ۴۸).	(گروه، ۱۳۸۴: ۱۸۴).
۵	ویهچ (۱۴۸)	سیاه قلم	۶-۸	تخت‌سلیمان (Wade Hoden, 2011).	نیشابور (گروه، ۱۳۸۴: ۱۷۲).
۶	آقکند (۷۱)	نقاشی زیر لعاب	۸-۱۰	نپاوند (رهبر، ۱۳۹۰: ۴۳).	کاشان (اسماعیلی، ۱۳۹۶).
۷	محوطه ۷	نقاشی زیر لعاب	۸-۱۰	سنقر (یاقری، ۱۳۹۱: ۱۰۹).	کاشان (اسماعیلی، ۱۳۹۶).



تصویر ۸. نمونه‌هایی از سفال‌های لعاب‌دار با تزئینات نقاشی روی لعاب (نگارندگان، ۱۳۹۷).

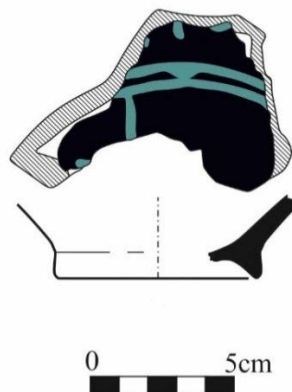
جدول ۴. مشخصات نمونه‌های نقاشی روی لعاب (نگارندگان، ۱۳۹۷).

ش	محوطه	نوع	ت. نسبی هق.	نمونه‌های مقایسه‌ای مناطق همجوار	نمونه‌های مقایسه‌ای برون منطقه‌ای
۱	آقکند (۷۱)	نقاشی روی لعاب	۸-۹	تپه گورستان همدان (زارعی، ۱۳۹۸: ۱۲۰).	کاشان (اسماعیلی، ۱۳۹۶).
۲	آقکند (۷۱)	نقاشی روی لعاب	۸-۹	تپه گورستان همدان (زارعی، ۱۳۹۸: ۱۲۰).	کاشان (اسماعیلی، ۱۳۹۶).
۳	حمام حسین آباد	نقاشی روی لعاب	۱۰-۱۳	-	-
۴	شوراب هزاره (۴۱)	نقاشی روی لعاب	۱۰-۱۳	-	-
۵	شوراب هزاره (۴۱)	نقاشی روی لعاب	۱۰-۱۳	-	-
۶	تپه منتش (۲۷)	نقاشی روی لعاب	۱۰-۱۳	محوطه سامن (همتی، ۱۳۹۶: ۲۱۰).	ازبکستان (Henshaw, 2010: 73).

می‌گیرند که چرخ‌سازند و پخت کافی دارند و طراحی نقوش با ترکیب چندرنگ روی لعاب انجام گرفته است. رنگ‌های به‌کار برده شده در نمونه‌های این گروه شامل نارنجی، سبز، آبی و قهوه‌ای است. بیشترین استفاده از رنگ نارنجی و سبز است. این نوع سفالینه‌ها در بازه زمانی قرون ۱۳-۱۰ ه.ق.، تاریخ‌گذاری می‌شوند. از نمونه‌های قابل مقایسه، می‌توان به نمونه‌های به‌دست‌آمده از همدان (زارعی و شعبانی، ۱۳۹۸: ۱۱۶)، نیشابور (Wilkinson, 1973: 152)، سوریه (دیمانند، ۱۳۸۹) و ازبکستان (Henshaw, 2010: 73) اشاره کرد (تصویر ۸).

سیلهوتو

تنها یک قطعه از سفال گونه سیلهوتو یا همان سایه‌نما از بررسی یکی از محوطه‌های دشت قروه به‌دست آمده است؛ این قطعه، کف یک ظرف با خمیره رُسی نخودی با آمیزه ماسه بادی است که با استفاده از چرخ شکل داده شده است (تصویر ۹). ظروف سیلهوتو نیز با گلابه گل رُس تزئین شده



تصویر ۹. نمونه سفال سایه‌نمای مکشوف از دشت قره (نگارندگان، ۱۳۹۷).

است. در اینجا گلابه به عنوان زمینه‌ای به عنوان نقاشی به کار نرفته است؛ بلکه به جای آن، ظرف را درون لعاب گلی سیاه و غلیظی فرو برده و پس از خشک شدن، روی گلابه کنده‌کاری صورت گرفته است و طرح روی زمینه سفید به صورت نقش برجسته باقی مانده است. لعاب فیروزه‌ای که بعد از آن به ظرف داده می‌شود، آرایش رنگ نهایی ظرف به رنگ‌های فیروزه‌ای و سیاه ایجاد می‌کند (آلن، ۱۳۸۳: ۲۴). سفال سیلهوتو کامل‌کننده سفال اسگرافیاتوست و شیوه آن مانند سفال گروس (گبری) اجرا شده است (پوپ، ۱۳۷۸: ۷۴۹).

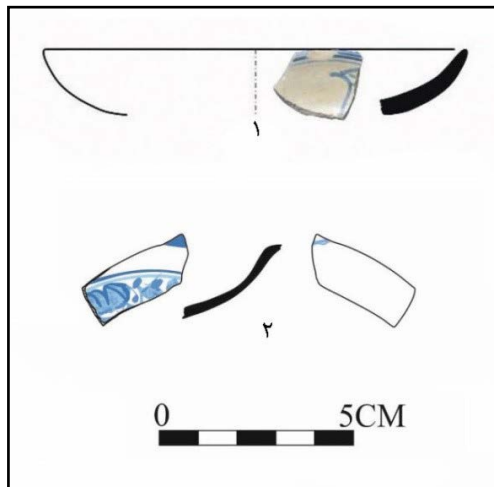
زرین فام

از بررسی یکی از محوطه‌های دشت قره، تنها یک قطعه سفال زرین فام از محوطه خیرویس به دست آمده است. تولید سفال زرین فام در سده سوم هجری قمری در: نیشابور، ری، شوش، استخر و گرگان، ابتکار دیگر سفالگران بوده است (کامبخش فرد، ۱۳۸۶). اوج تولید سفال زرین فام، قرون ۶ و ۸ ه.ق. است، اما این شیوه از قرن هشتم به بعد رو به افول می‌رود (Fehervari, 2000: 288)، ولی هم‌چنان تولید ادامه پیدا می‌کند و در دوره صفویه دوباره احیا می‌شود (Lane, 1942: 104). یک قطعه کوچک سفال زرین فام در مجموعه مورد مطالعه وجود دارد. این سفال با خمیره شبه‌چینی به همراه نقوش آبی و زیتونی مایل به طلایی بر زمینه سفید است. این نمونه را می‌توان حدود قرون ۶ و ۷ ه.ق. تاریخ‌گذاری کرد. مهم‌ترین مرکز تولید سفال زرین فام کاشان است (فهروری، ۱۳۸۸: ۳۸؛ Mason, 1997). از نمونه‌های قابل مقایسه می‌توان به نمونه‌های به دست آمده از سامن (همتی‌ازندیان و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۹۵)، جیرفت (چوبک، ۱۳۹۱: ۱۱۰)، کاشان (آلن، ۱۳۸۷: ۱۳)، گرگان (کامبخش فرد، ۱۳۷۹: ۵۲۹) و رقه در سوریه (Pradell et al., 2008: 2663) اشاره کرد (تصویر ۱۰).

آبی و سفید

تولید سفال آبی و سفید برای نخستین بار از جنوب چین در اوایل قرن ۱۴ م. آغاز شده است (Watson, 2003: 61). تولید این سفال بین سفالگران ایرانی بسیار محبوب بوده و از مراکز مهم تولید این نوع سفال مشهد و کرمان است (Mleziva, 2019: 128; Lane, 1957). دو قطعه سفال آبی و سفید در نمونه‌های مورد مطالعه وجود دارد که هر یک از دو محوطه مختلف به دست آمده‌اند. یکی از این نمونه‌ها (نمونه به دست آمده از محوطه محمدصالح) متعلق به قرون متأخر است و دارای خمیره شبه‌چینی، پخت کافی و فرم دهانه‌باز است. نمونه دیگر نیز متعلق به قرون متأخر است که از بررسی محوطه قلعه‌کهنه به دست آمده و دارای خمیره چینی و نقوش به رنگ آبی روشن

است و به دلیل این که قسمتی از بدنه است، فرم ظرف قابل تشخیص نیست. سفال نوع متأخر در ایران از لحاظ تولید و استفاده، فراوانی زیاد دارد، اما دلیل این که تنها دو قطعه در مجموعه مورد مطالعه وجود دارد، می‌تواند شکننده بودن آن باشد که در سطح محوطه‌ها، به دلایل مختلف، از جمله رفت و آمد انسان و دام‌ها، شخم‌های سالانه زمین و... و به قطعات بسیار کوچکی تبدیل شده که در نتیجه در بررسی‌های سطحی کشف آن‌ها دشوار است. از نمونه‌های قابل مقایسه می‌توان به نمونه‌های به دست آمده از زینوآباد همدان (محمدی و شعبانی، ۱۳۹۵: ۱۴۵)، درگزین رزن (زارعی، ۱۳۹۱: ۳۱۶)، تخت سلیمان (Wade Hoden, 2011: 143)، تبریز (Soustiel, 1985: 246)، سمنان (اکبری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳۵)، کاشان (Mleziva, 2019: 132) و فلسطین اشغالی (Stern, 2014: 144) اشاره کرد (تصویر ۱).



تصویر ۱۱. دو نمونه از سفال‌های آبی و سفید نگارندگان، (۱۳۹۷).



تصویر ۱۰. نمونه زربین فام به دست آمده از محوطه خیر ویس (نگارندگان، ۱۳۹۷).

جدول ۵. مشخصات سفال‌های سایه‌نما، زربین فام و آبی سفید (نگارندگان، ۱۳۹۷).

ش	محوطه	نوع	ت. نسبی هق.	نمونه‌های مقایسه‌ای مناطق همجوار	نمونه‌های مقایسه‌ای برون منطقه‌ای
۱	عبدل‌آباد (۱۸)	سایه‌نما	۶-۸	ملایر (جانجان، ۱۳۹۱).	کاشان (Watson, 2004: 334).
۱	خبرویس (۲۴)	زربین فام	۶-۷	سامن (همتی، ۱۳۹۴: ۲۰۲).	جیرفت (چوبک، ۱۳۹۱).
۱	محمدصالح (۱۰)	سفیدوآبی	۱۰-۱۳	زینوآباد (محمدی و شعبانی، ۱۳۹۵: ۱۴۵).	صفد (Stern, 2014: 144).
۲	قلعه کهنه (۱۹)	سفیدوآبی	۱۰-۱۳	(شعبانی، ۱۳۹۷: ۲۰۹).	(آلن، ۱۳۸۶: ۶۵).

سفال‌های بدون لعاب

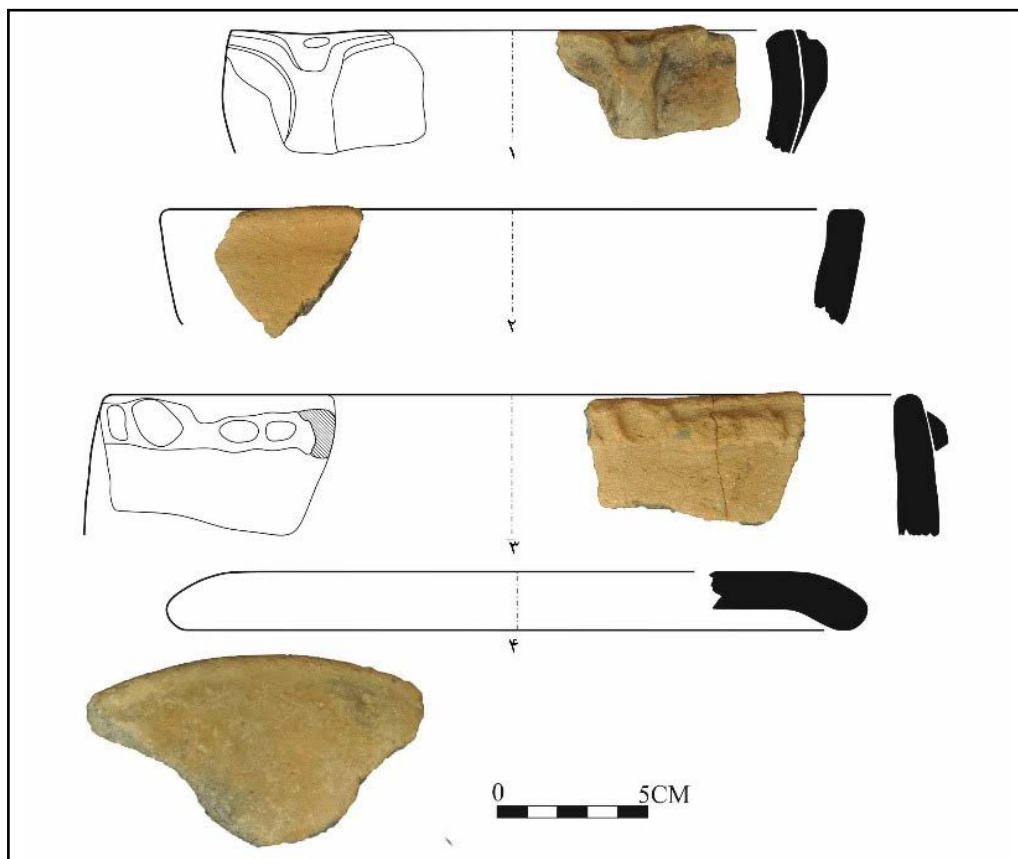
در تمامی محوطه‌های دوران اسلامی، قطعات سفالی بدون لعاب گردآوری شده است. این گروه از سفال‌ها نسبت به گروه نخست، فراوانی بیشتری دارند؛ اما با توجه به این که بیشتر نمونه‌ها ادامه روند دوره‌های تاریخی است و مشابهت بسیاری به‌ویژه در قرون اولیه اسلامی با سفال‌های بدون لعاب دوره ساسانی دارند، تاریخ‌گذاری آن‌ها دشوار است و معمولاً پژوهشگران را در محوطه‌هایی که دارای بقایای دوره ساسانی هستند، دچار مشکل می‌کنند.

سفال‌های بدون لعاب مورد مطالعه، دارای خمیره‌ای در طیف نخودی تا قرمز، قهوه‌ای و پوشش گلی رقیق نخودی، نخودی مایل به شیری و یا پوشش هم‌رنگ خمیره و بیشتر دارای آمیزه ماسه‌بادی، و در مواردی نیز دست‌ساز و دارای آمیزه ترکیبی، متشکل از ماسه و گاه هستند. تزئینات روی سفال‌های بدون لعاب به صورت کنده، نقش قالبی و نقش افزوده است. بیشتر این

تزیینات در قسمت بالایی ظرف به‌ویژه روی شانه و زیر لبه و در مواردی روی لبه ایجاد شده است. مراکز اصلی ساخت سفال‌های بدون لعاب در کارگاه‌های نیشابور، ری و گرگان بوده است (کیانی، ۱۳۷۹: ۲۴)؛ البته این سفال‌ها در مراکز محلی نیز تولید شده‌اند. به نظر می‌رسد در دوران اسلامی، ظروف سفالی بدون لعاب نسبت به ظروف لعاب‌دار از اهمیت و جذابیت کمتری برخوردار بوده است (Wilkinson, 1973: 290).

سفال ساده

گروهی از سفال‌ها که در محوطه‌های دوره اسلامی قابل توجه‌اند، سفال‌های دست‌ساز با آمیزه سنگ‌ریزه و گاه است که بیشتر آن‌ها دارای مغز دودزده هستند. این گونه سفالی در موارد کمیابی تزیینات طنابی دارند. این نوع ظروف از نوع ظروف آشپزخانه‌ای هستند و خمیره قرمز مایل به قهوه‌ای دارند و در میان مجموعه‌های گردآوری شده در ۲۵ درصد از محوطه‌های دوران اسلامی دیده می‌شوند. این سفال‌ها موسوم به «سفال‌های آشپزخانه‌ای» است که در اکثر محوطه‌های ایرانی یافت شده و از دوره مس‌وسنگ تا قرون متأخر اسلامی تولید می‌شده است (علی‌بیگی، زیر چاپ). در میان سفال‌های بی‌لعاب و بدون تزیین، تعداد قطعات درپوش چشم‌گیر است. این نوع سفال خمیره رُسی نخودی مایل به قرمز و پوشش گلی غلیظ دارند، در اکثر موارد پخت ناکافی دارند، بیشتر دودزده هستند، و غالباً در دسته ظروف آشپزخانه‌ای قرار می‌گیرند. درپوش‌های مورد مطالعه در محوطه‌هایی که یافته‌های قرون میانه پرشماتری دارند، از فراوانی بیشتری برخوردارند. نمونه‌های مشابه آن در محوطه زینوآباد (محمدی و شعبانی، ۱۳۹۵: ۱۴۰) و بیستون (لوشای-شمایسر، ۱۳۸۵: آلبوم ۳۴) به دست آمده است (تصویر ۱۲).



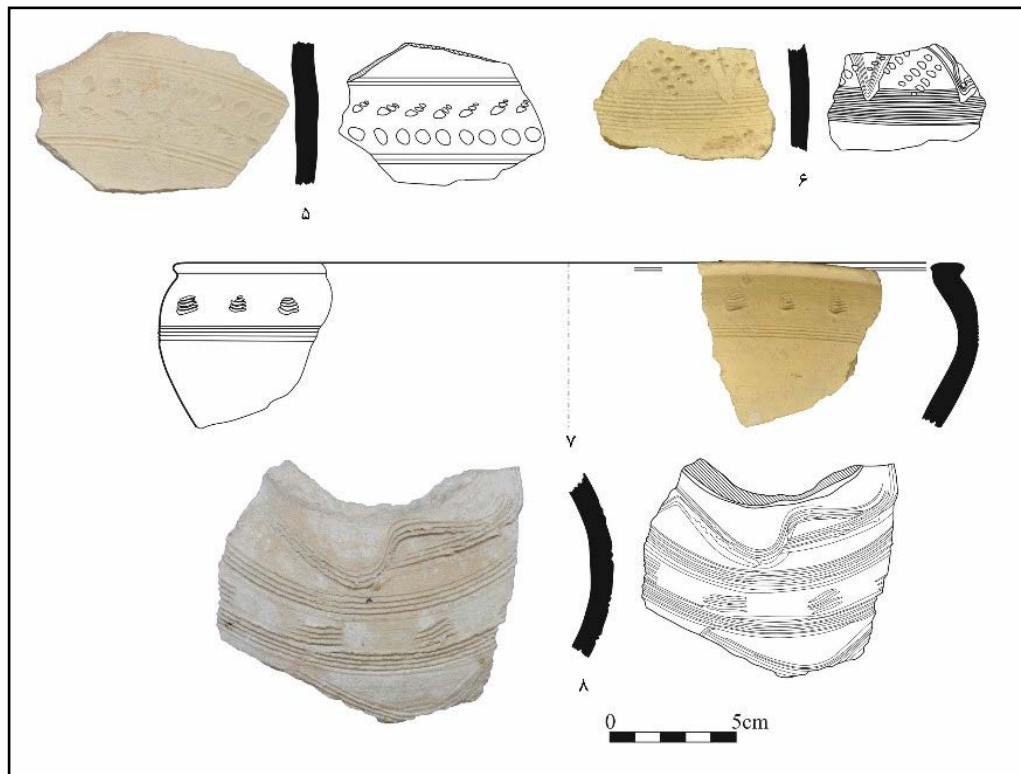
تصویر ۱۲. نمونه‌هایی از سفال‌های بدون لعاب دست‌ساز (نگارندگان، ۱۳۹۷).

جدول ۶. مشخصات سفال‌های بدون لعاب (نگارندگان، ۱۳۹۷).

ش	محوطه	نوع	ت. نسبی هق.	نمونه‌های قابل مقایسه
۱	سلیمان آغاسی (۲۰۳)	ساده دست‌ساز	قرون میانه	کاروانسرای قدیمی بیستون (لوشای-شمایسر، ۱۳۸۵: آلبوم ۳۴).
۲	تپه میری (۶۵)	ساده دست‌ساز	قرون میانه	کاروانسرای قدیمی بیستون (لوشای-شمایسر، ۱۳۸۵: آلبوم ۳۴).
۳	وزیر آباد (۱۷۶)	دست‌ساز با تزئین طنابی	قرون اولیه	پلنگرد (خسروی، ۱۳۹۱).
۴	قلعه نارنجک (۱۷۳)	ساده دست‌ساز (درپوش)	قرون میانه	کاروانسرای قدیمی بیستون (لوشای-شمایسر، ۱۳۸۵: آلبوم ۳۴).
۵	دیرکلو (۲۱۷)	نقش کنده	قرون میانه	سامن (همتی، ۱۳۹۶: ۱۹۳).
۶	حسن خان (۲۲)	نقش کنده	قرون میانه	بنای مغولی بیستون (لوشای-شمایسر، ۱۳۸۵: ۳۶۸).
۷	کاظم‌آباد (۷۷)	نقش کنده	قرون میانه	پلنگرد (خسروی، ۱۳۹۱: ۵۱۴).
۸	آفکند (۷۱)	نقش کنده	قرون اولیه	پلنگرد (خسروی، ۱۳۹۱: ۵۱۹).
۹	سجان تپه (۱۸۱)	نقش قالبی	قرون میانه	-
۱۰	عبدل‌آباد (۱۸)	نقش قالبی	قرون میانه	بیستون (کلایس، ۱۳۸۵: ۳۹۲).
۱۱	پیروزآباد (۱۰۷)	نقش افزوده	قرون میانه	ری (مهجور و صدیقیان، ۱۳۹۰: ۱۷۱)
۱۲	روان تپه (۸۶)	مرصع	قرون میانه	سامن (همتی، ۱۳۹۶: ۱۹۵).
۱۳	میره (۷۰)	مرصع	قرون میانه	مشکین تپه (مهجور و صدیقیان، ۱۳۸۸: ۱۱۹).

سفال با نقش کنده

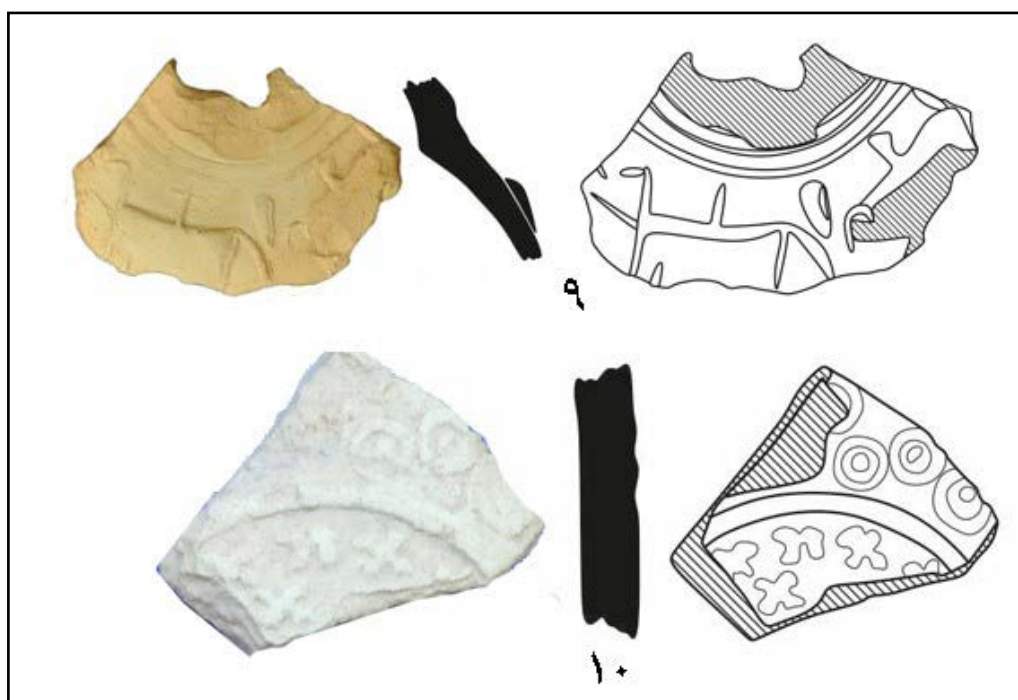
نقش کنده، متنوع‌ترین و بیشترین نوع تزئین روی سفال بی‌لعاب در مجموعه‌های مورد مطالعه است؛ تزئینات به صورت خطوط موازی، موج، شبکه‌ایی و زیگزاگ، نقطه‌ای انجام گرفته است. تزئینات نقش‌کنده اغلب روی شانه و یا زیر لبه ظرف، در واقع در قسمت فوقانی ظروف انجام گرفته است. خمیره این گونه در طیف وسیعی از رنگ‌های نخودی تا کرم و در مواردی قرمز یا قرمز مایل به قهوه‌ای دارند، و معمولاً پوشش گلی هم‌رنگ خمیره استفاده شده است (تصویر ۱۳). از نمونه‌های مشابه می‌توان به یافته‌های به دست آمده از کاروانسرای قدیمی بیستون (لوشای-شمایسر، ۱۳۸۵: ۲۶۸)، درگزین همدان (زارعی، ۱۳۹۱: ۲۷۰) و نیشابور (Wilkinson, 1973: 290) اشاره کرد.



تصویر ۱۳. نمونه‌هایی از سفال‌های بدون لعاب با تزئینات نقش کنده (نگارندگان، ۱۳۹۷).

نقش قالبی

استفاده از قالب برای تزئینات ظروف سفالی، سفال‌های بدون لعاب دوره سلجوقی را از دوره‌های دیگر متمایز کرده است. در میان سفال‌های بدون لعاب دشت قروه چند نمونه قطعه سفال با نقش قالبی دیده می‌شود. این سفال‌ها دارای خمیره نخودی و پوشش نازک هم‌رنگ خمیره و با آمیزه ماسه‌بادی و چرخ‌ساز هستند. دو نمونه، نقش انتزاعی حیوانی در قسمت فوقانی ظرف دارند. این سفال‌ها به قرون ۷-۵ ه.ق.، تاریخ‌گذاری می‌شوند (تصویر ۱۴). در این راستا به نمونه‌های مشابه یافت شده از سامن (همتی‌ازندریان و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۹۳)، بیستون (کلایس، ۱۳۸۵: ۳۹۲) و نیشابور (لباف‌خانیکی، ۱۳۸۶: ۳۳؛ Wilkinson, 1973: 360) می‌توان اشاره کرد. سفال‌های قالب‌زده دوره سلجوقی دارای طرح‌های برجسته‌ای هستند که به تقلید از صنایع فلز و گچ ساخته شده‌اند (کامبخش‌فرد، ۱۳۷۹: ۴۷۰).



تصویر ۱۴. نمونه‌هایی از سفال‌های بدون لعاب با تزئینات نقش قالبی (نگارندگان، ۱۳۹۷).

نقش افزوده

تنها دو نمونه با نقش افزوده در میان ظروف مورد مطالعه وجود دارد. این قطعات دارای خمیره نخودی و پوشش گلی رقیق هم‌رنگ خمیره و آمیزه ماسه‌بادی هستند. در یک نمونه نقش به صورت دایره‌ای کوچک بر شانه ظرف و در نمونه دیگر روی دسته ظرف اضافه شده است. این قطعات سفال بین قرون ۷-۵ ه.ق. تاریخ‌گذاری می‌شوند (تصویر ۱۵). شهرهای ری و نیشابور از مراکز مهم ساخت این نوع سفال است. از نمونه‌های مشابه با نمونه‌های مکشوف از بررسی دشت قروه می‌توان به نیشابور (Wilkinson, 1973)، جیرفت (چوبک، ۱۳۹۲: ۱۰۲) و ری (مهبجور و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۷۱) اشاره کرد.

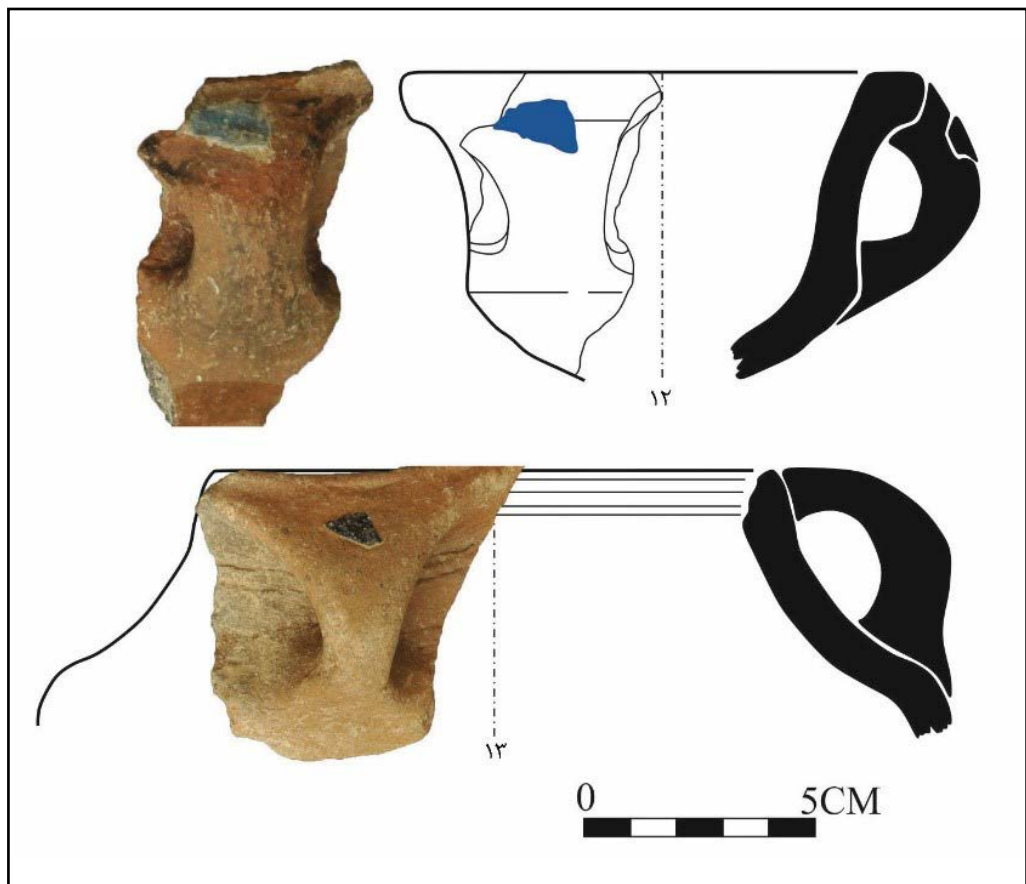
مرصع

در این نوع شیوه، فقط دو قطعه از محوطه‌های میره (۷۰) و روان تپه (۸۴) به دست آمده است. این



تصویر ۱۵. نمونه‌ای از گونه بدون لعاب با تزئینات نقشی افزوده (نگارندگان، ۱۳۹۷).

قطعات دارای خمیره رُسی قهوه‌ای و نخودی مایل به قرمز هستند. هر دو قطعه دسته و قسمتی از لبه ظرف است. برای تزئین آن‌ها از تکه‌های ریز سفال با لعاب فیروزه‌ای و لاجوردی روی دسته استفاده شده است (تصویر ۱۶).



تصویر ۱۶. نمونه‌های سفال بدون لعاب با تزئین مرصع (نگارندگان، ۱۳۹۷).

برهمکنش‌های فرهنگی استقرارهای دورانی اسلامی دشت قروه

در مناطقی مانند قروه، با توجه به این‌که در محوطه‌های دورانی اسلامی آن کاوش باستان‌شناختی انجام نگرفته و مطالعات تنها بر پایه بررسی‌های میدانی و سطحی صورت گرفته است؛ در نتیجه تنها راه شناسایی تعاملات فرهنگی تکیه بر یافته‌های سفالی است. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، با رجوع به مطالعاتی که درباره سفال در جهان اسلام صورت گرفته، بیشتر با شیوه سفالگری در جهان شباهت کلی دارند. با مقایسه سفال‌های دشت قروه با سفال‌های مطالعه‌شده سایر نقاط کشور یا جهان می‌توان نتیجه گرفت، سفال‌های دشت قروه - به ویژه سفال‌های لعاب‌دار - از لحاظ شیوه، شکل و رنگ، به طور مثال با سفال‌های به دست آمده از: نیشابور، ری، جیرف، کاشان و حتی افغانستان، ازبکستان، سوریه و فلسطین اشغالی و... وجه تشابه دارند، ولی از نظر نوع مضامین نقوش متفاوت هستند؛ اما در مقایسه با مناطق همجوار از هر نظر، شیوه، شکل، رنگ و نوع نقوش تشابه دارند. منظور از مناطق همجوار محوطه‌های مطالعه‌شده استان همدان، استان کرمانشاه، تخت سلیمان و دیگر شهرهای استان کردستان است که در قسمت مقایسه ظروف به آن‌ها ارجاع داده شده است. در نتیجه می‌توان گفت بیشتر تبادلات فرهنگی دشت قروه با مناطق همجوار است. به نظر می‌رسد بخشی از ساکنین دشت قروه در دورانی اسلامی عشایر کوچ‌رو بوده‌اند؛ همان‌طور که متون قرون متأخر به آن اشاره می‌کند، از دشت ذهاب و شهر زور برای گذراندن بیلاق، این دشت را انتخاب می‌کردند (ستوده، ۱۳۸۵: ۱۲). این امر بدیهی است که نه تنها سنت‌های فرهنگی توسط این افراد بین گروه‌های بیشتری انتقال داده می‌شده است، بلکه تبادلات کالای و فرهنگی بین مناطق به وسیله همین مسیرهای ارتباطی هموار بوده است؛ در نتیجه تعاملات منطقه‌ای دور از انتظار نیست.

نتیجه‌گیری

شهرستان قروه یکی از دشت‌های بزرگ استان کردستان است. شواهد باستان‌شناسی نشان از آن دارد که این دشت در دورانی اسلامی به دلیل وضعیت جغرافیایی مورد توجه گروه‌های انسانی بوده و محوطه‌های گوناگونی با کارکردهای مختلف در آن شکل گرفته است. یافته‌های سفالی با تنوع گونه‌های مختلف در بررسی باستان‌شناسی گردآوری شد. در این پژوهش تمام مناطق همجوار و مناطقی که در متون (متأخر) به آن اشاره شده که جوامع متحرک دشت قروه، بیلاق (دشت ذهاب تا شهر زور) خود را در آنجا گذرانده‌اند، به عنوان مناطق درون منطقه‌ای در نظر گرفته شده است. مراکز اصلی تولید سفال، مانند: کاشان، نیشابور و... در زمره مناطق برون منطقه‌ای در نظر گرفته شد و حتی نمونه‌های خارج از مرزهای سیاسی داخلی، مانند: صفد، سوریه، افغانستان و ازبکستان نیز برای سنجش‌ها و مقایسه‌ها با نمونه‌های مورد مطالعه استفاده شد؛ البته همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، مقایسه با یافته‌های موارد مذکور به دلیل نشان دادن تفاوت‌ها بوده است.

یافته‌های سفالی دورانی اسلامی دشت قروه، توالی گاه‌شناختی از قرون اولیه اسلامی تا عصر حاضر را پوشش می‌دهد. در یک تقسیم‌بندی کلی سفال‌های دشت قروه به دو گروه لعاب‌دار و بدون لعاب تقسیم‌بندی می‌شوند؛ سفال لعاب‌دار شامل هفت گونه و سفال‌های بدون لعاب شامل پنج گونه است. سفال‌های با تزئین نقش‌کننده در بین سفال‌های بی‌لعاب و سفال با لعاب تک‌رنگ ساده، به دلیل سهولت در تولید و نقش‌کننده در گلابه که خود در شمال غرب ایران سبک خاص و متفاوتی دارد، در بین سفال‌های لعاب‌دار بیشترین فراوانی را دارد. سفال‌های لعاب‌دار بررسی‌های اخیراً می‌توان در سه گروه قرون ۴-۵ ه.ق.، قرون ۵ تا ۹ ه.ق.، و قرون ۱۰ تا ۱۳ ه.ق.، تاریخ‌گذاری کرد. سفال‌های بدون لعاب از قرون اولیه اسلام تا حال حاضر در منطقه تداوم دارند. در میان مجموعه‌های گردآوری شده، سفال‌های بدون کیفیت نیز فراوانی قابل توجهی دارند، اما به دلیل

عدم کشف آن‌ها در کاوش، قابل تاریخ‌گذاری مطمئن نیستند؛ با این حال، با توجه به آن‌که این نوع سفال‌ها بیشتر در استقرارهای موقت با انباشت‌های کم به دست آمده‌اند، می‌توان با احتیاط آن‌ها را به استقرارهای عشایر و کوچ‌نشینان نسبت داد. با مقایسه و تطبیق سفال‌های منطقه مورد مطالعه با محل‌های تولید سفال فرامنطقه‌ای این نتیجه به دست می‌آید که هرچند سفال‌های دوران اسلامی منطقه قروه از نظر شیوه، مشابه نواحی دوردست‌اند، اما از نظر نقوش در بیشتر آن‌ها تفاوت‌هایی می‌توان دید و همین تفاوت‌ها این فرض را تقویت می‌کند که بیشتر سفال‌های به دست آمده از بررسی در خود منطقه (مناطق همجوار) تولید شده‌اند و مشابهت‌ها، بیشتر حاصل تبادلات فرهنگی با مناطق همجوار است. برای تعیین منشأ و تولید سفال‌های دشت قروه باید مطالعات آزمایشگاهی صورت گیرد، که این کار نیز نیازمند زمان و صرف هزینه است و نگارندگان امیدوارند در آینده و با کشف نمونه‌های بیشتر از کاوش‌های علمی در این محوطه‌ها، به این مهم دست پیدا کنند؛ هرچند تاکنون کاوش‌های علمی در محوطه‌های دوران اسلامی منطقه صورت نگرفته و شواهدی از کوره سفالگری در این دشت به دست نیامده، اما باید منتظر مطالعات آینده ماند تا در این مورد با قاطعیت نظر داد. با این حال، گونه‌های سفال زمخت و کم‌کیفیت پراکنده در سطح بسیاری از استقرارها، ممکن است در خود منطقه تولید شده باشد و نمونه‌های فاخر و کمیاب در زمره سفال‌های غیرمحلی قرار گیرند.

سپاسگزاری

مایلم از آقایان: محسن زینی‌وند، دکتر سجاد علی‌بیگی، دکتر حسین صدیقیان و خانم نجمه نوری برای بازخوانی مقاله و کمک بی‌دریغشان صمیمانه قدردانی نماییم؛ هم‌چنین از خانم سمیه زینعلی برای طراحی یافته‌ها سپاسگزاریم.

پی‌نوشت

۱. هم‌چنین چندین نوشته مجزا، از جمله الگوی استقرار محوطه‌های مس‌وسنگ میانه حاشیه رودخانه تالوار شهرستان‌های قروه و دهگلان (ساعدموچشی و همکاران، ۱۳۹۰)؛ توصیف، طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سفال دوره اشکانی شهرستان قروه (فرزادمافی و همکاران، ۱۳۸۸)؛ بررسی و تحلیل الگوی استقرار محوطه‌های اشکانی در شهرستان قروه (رجیبون و همکاران، ۱۳۹۹)؛ و بررسی الگوهای استقرار دوره ساسانی در دهگلان و قروه (Samadi Bagejani et al., 2019) منتشر شده است.

کتابنامه

- آلن، جیمز ویلسن، (۱۳۸۳). سفالگری اسلامی. ترجمه مهناز شایسته‌فر، تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
- اسماعیلی، زهرا، (۱۳۹۶). «مطالعه و بررسی باستان‌شناختی سفال محوطه ایلخانی فیض‌آباد کاشان». پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی دانشگاه کاشان (منتشر نشده).
- اسماعیلی‌جلودار، محمداسماعیل، (۱۳۹۴). پژوهش باستان‌شناختی خلیج فارس بندر سیراف. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- اشتودان، رسول، (۱۳۸۸). «گمانه‌زنی تپه کبودخانی». سنج: آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کردستان (منتشر نشده).
- اکبری، حسن؛ بحرالعلومی، محمدحسین؛ و مرادسلطان، محمدشریف، (۱۳۹۸). «یادمانی ناشناخته در زاوگان: مسجد جمعه یا عمارت». مطالعات باستان‌شناسی پارسه، سال ۳، شماره ۸، صص: ۱۴۰-۱۲۷.

- باقری، حسین، (۱۳۹۴). «تحلیل الگوی استقرار جنوب شرقی شهرستان سنقر و کلیایی براساس سفالینه‌های اسلامی». پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی دانشگاه شهرکرد (منتشر نشده).
- بدلیسی، شرف‌الدین بن شمس‌الدین، (۱۳۷۷). شرفنامه. مصحح: ولیامینوف، ولادیمیر، تهران: انتشارات اساطیر.
- بارتولد، ویلهلم، (۱۳۷۷). جغرافیای تاریخی ایران. ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران: انتشارات شرکت علمی و فرهنگی.
- بختیاری، ذبیح‌الله، (۱۳۸۷). «بررسی و شناسایی و مستندسازی آثار باستانی بخش موش شهرستان کامیاران». سنجندج: بایگانی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کردستان (منتشر نشده).
- بهنیا، علی، (۱۳۸۷). «بررسی باستان‌شناسی بخش سریش آباد شهرستان قروه». آرشو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کردستان (منتشر نشده).
- پوپ، آرتور، (۱۳۸۷). شاهکارهای هنر ایران. ترجمه پرویز خانلری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- توحیدی، فائق، (۱۳۷۸). فن و هنر سفالگری. تهران: سمت.
- خسروی، شکوه؛ و رشنو، اصغر، (۱۳۹۱). «گزارش کاوش اضطراری تپه پلنگ‌گرد در شهرستان اسلام‌آباد، استان کرمانشاه». کرمانشاه: بایگانی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمانشاه (منتشر نشده).
- چوبک، حمیده، (۱۳۹۱). «سفالینه‌های دوران اسلامی - شهر کهن جیرفت». مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۴، شماره ۱، صص: ۸۳-۱۱۲.
- دیماندا، موریس، (۱۳۸۹). راهنمای صنایع اسلامی. ترجمه عبدالله فریار، تهران: علمی و فرهنگی.
- رهبر، مهدی، (۱۳۹۰). «گزارش مقدماتی دومین فصل گمانه‌زنی در نهاوند به منظور شناسایی معبد لائودیسه». همدان: بایگانی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان (منتشر نشده).
- رنجبران، محمدرحیم؛ و بختیاری، ذبیح‌الله، (۱۳۹۲). «گزارش نهایی فصل اول و دوم، از دور چهارم کاوش‌های باستان‌شناختی تپه همدان». همدان: بایگانی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان (منتشر نشده).
- شعبانی، محمد، (۱۳۹۴). «بررسی الگوی استقرار قرون نخستین اسلامی تا اواخر دوره صفوی حوزه مرکزی همدان». پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی، همدان؛ دانشگاه بوعلی‌سینا (منتشر نشده).
- رجبیون، زهرا؛ بهنیا، علی؛ و ساعدموچشی، امیر، (۱۳۹۹). «بررسی و تحلیل الگوهای استقرار محوطه‌های اشکانی در شهرستان قروه»، مطالعات باستان‌شناسی پارسه، سال ۴، شماره ۱۱، صص: ۹۱-۱۱۳.
- زارعی، محمدابراهیم، (۱۳۹۱). «گزارش نهایی کاوش باستان‌شناسی شهر دوره اسلامی درگزین همدان». همدان: بایگانی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان (منتشر نشده).
- زارعی، محمدابراهیم؛ خاکسار، علی؛ مترجم، عباس؛ امینی، فرهاد؛ و دینی، اعظم، (۱۳۹۳). «بررسی و مطالعه سفال‌های دوره ایلخانی به دست‌آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی ارزنفود». مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۶، شماره ۲، صص: ۷۳-۹۰.
- زارعی، محمدابراهیم؛ و شعبانی، محمد، (۱۳۹۸). «بررسی و تحلیل گونه‌شناسی سفالینه‌های

- آغاز دوران اسلامی تا پایان دوره صفوی منطقه همدان». مطالعات باستان‌شناسی پارسه، سال سوم، شماره ۸، صص: ۱۳۹-۱۲۵.
- ساعدموچشی، امیر؛ نیکنامی، کمال‌الدین؛ کریمی، زاهد؛ عزیزی، اقبال، و بهنیا، علی، (۱۳۹۰). «الگوهای استقرار محوطه‌های مس‌وسنگ میانه حاشیه رودخانه‌های تلوار (شهرستان‌های دهگلان و قروه)». پیام باستان‌شناسی، شماره ۱۶، صص: ۱۷-۳۴.
- ساعدموچشی، امیر، (۱۳۹۷). «گمانه‌زنی تپه گلالی». سندج: آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کردستان (منتشر نشده).
- ستوده، منوچهر، (۱۳۸۵). نامنامه ایلات و عشایر و طوایف. سس جلد ۱، تهران: مرکز دائرةالمعارف اسلامی.
- سنندجی، میرزا شکرالله، (۱۳۷۵). تحفه ناصریه. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- شاطری، میترا، (۱۳۹۴). «حوزه‌بندی گونه نقش‌کننده در گلابه (نمونه موردی: حوزه‌های شرق و جنوب شرق)». مجموعه مقالات برگزیده دومین همایش باستان‌شناسی ایران، به‌کوشش: حسن هاشمی‌زرچ‌آباد، بیرجند: چهاردرخت، صص: ۱-۱۲.
- شریفی، فرشته؛ و زینی‌وند، محسن، (۱۳۹۷). «بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان قروه». سندج: بایگانی میراث فرهنگی استان کردستان (منتشر نشده).
- شریفی، فرشته؛ و زینی‌وند، محسن، (۱۳۹۸). «شناسایی و بررسی باستان‌شناسی دشت قروه کردستان». مجموعه مقالات کوتاه هفدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، صص: ۷۴۱-۷۳۶.
- طهرانی، ابوبکر، (۱۳۵۶). دیار بکریه از تواریخ قراقونیلو و چغاتای. تهران: طهوری.
- عالی، ابوالفضل، (۱۳۸۳). «گزارش فصل اول بررسی و شناسایی حوضه آبریز ابهررود». زنجان: بایگانی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان زنجان (منتشر نشده).
- عالی، ابوالفضل، (۱۳۸۵ الف). «گزارش فصل دوم بررسی و شناسایی حوضه آبریز ابهررود». زنجان: بایگانی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان زنجان (منتشر نشده).
- عالی، ابوالفضل، (۱۳۸۵ ب). «گزارش توصیفی بررسی و شناسایی باستان‌شناختی حوضه آبریز ابهررود». پیام باستان‌شناسی، سال ۳، شماره ۶، صص: ۴۲-۱۹.
- عزیزی، اقبال، (۱۳۸۵). «گمانه‌زنی قبرستان تاریخی دلبران». سندج: آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کردستان (منتشر نشده).
- عزیزی، اقبال، (۱۳۷۸). «بررسی باستان‌شناسی بخش چهاردولی شهرستان قروه». سندج: آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کردستان (منتشر نشده).
- علی‌بیگی، سجاد، (۱۳۹۴). «گزارش بررسی باستان‌شناختی منطقه سرپل‌ذهاب، قطعات ۴ تا ۹ طرح گرمسیری». تهران: مرکز اسناد پژوهشگاه باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- علی‌بیگی، سجاد، (زیر چاپ). «بررسی و ارتباط سفال با آمیزه خرده‌سنگ با ارتقای روند پخت غذا از دوره مس‌وسنگ تا دوره اسلامی»، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران.
- فهوری، گزا، (۱۳۸۸). سفالگری جهان اسلام. ترجمه مهناز شایسته‌فر، تهران: نقش ایران.
- کیانی، محمدیوسف، (۱۳۸۰). پیشینه سفال و سفالگری در ایران. تهران: نسیم.
- کامبخش‌فرد، (۱۳۸۶). سفال و سفالگری در ایران. تهران: فقنوس.
- کریمی، زاهد، (۱۳۸۵). «گمانه‌زنی تپه شیدا یا لغوزآغاج». سندج: آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کردستان (منتشر نشده).
- کریمی، زاهد، (۱۳۸۵). «گمانه‌زنی تپه میهم»، سندج: آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کردستان (منتشر نشده).

- کریمی، زاهد، (۱۳۸۵). «بررسی باستان‌شناسی بخش مرکزی شهرستان قروه». سنندج: آرشیو اداره کل میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان کردستان (منتشر نشده).
- کمال‌هاشمی، رضا، (۱۳۹۰). «مطالعه سفال‌های دوران اسلامی مکشوفه از شهر بلیس». پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان (منتشر نشده).
- کلایس، ولفرام؛ و کالمیر، پیتر، (۱۳۸۵). بیستون. ترجمه فرامرز نجدسمیعی، تهران: سازمان میراث‌فرهنگی و گردشگری.
- گروه، ارنست، (۱۳۸۴). سفال اسلامی. ترجمه فرنز حائری، تهران: کارنگ.
- گنجوی، سعید، (۱۳۸۶). «کاوش‌های باستان‌شناسی تپه نرگه». مجموعه گزارش‌های باستان‌شناسی (ویژنامه دوره اسلامی). شماره ۶، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی با همکاری امور فرهنگی، صص: ۲۲۵-۲۳۸.
- لباف‌خانیکی، رجبعلی، (۱۳۸۶). «مروری بر مطالعات و کاوش‌های باستان‌شناسی هیئت مشترک ایران و فرانسه دژ کهندژ فرانسه». مجموعه گزارش‌های باستان‌شناسی (ویژنامه دوره اسلامی)، شماره ۶، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی با همکاری امور فرهنگی، صص: ۲۱-۵۲.
- لوشای-شمایسر، اینگه بورگ، (۱۳۸۵). «سفال‌های به‌دست‌آمده از بنای مغولی». مجموعه بیستون، به‌کوشش ولفرام کلایس و پیتر کالمیر، ترجمه فرامرز نجدسمیعی، تهران: سازمان میراث‌فرهنگی و گردشگری.
- لوشای-شمایسر، اینگه بورگ، (۱۳۸۵). «کاروانسرای قدیمی». مجموعه بیستون، به‌کوشش ولفرام کلایس و پیتر کالمیر، ترجمه فرامرز نجدسمیعی، تهران: سازمان میراث‌فرهنگی و گردشگری.
- مافی، فرزاد؛ بهنیا، علی؛ و بهرام‌زاده، محمد، (۱۳۸۸). «توصیف، طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سفال دوره اشکانی شهرستان قروه (کردستان)». پیام باستان‌شناس، شماره ۱۲، صص: ۸۵-۱۰۴.
- محمدی، مریم؛ و شعبانی، محمد، (۱۳۹۵). «معرفی و تحلیل سفال‌های دوران اسلامی محوطه زینوآباد-بهار، همدان». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۱۱، دوره ۶، سسس صص: ۱۵۰-۱۳۵.
- مهجور، فیروز؛ ابراهیمی‌نیا، محمد؛ و صدیقیان، حسین، (۱۳۹۰). «بررسی‌های باستان‌شناسی سفال‌های دوره اسلامی محوطه باستانی نخچیر خانلق ری». مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۳، شماره ۲، صص: ۱۹۲-۱۷۳.
- نظری‌ارشد، رضا؛ و بیک‌محمدی، خلیل‌الله، (۱۳۹۶). «گونه‌شناسی و تحلیل سفال‌های دوران اسلامی دشت تویسرکان». سومین همایش ملی باستان‌شناسی ایران، دانشگاه بیرجند، صص: ۶۱۵-۶۲۸.
- مورگان، پیتر، (۱۳۸۴). «ظروف بامیان و افغان». مجموعه سفال‌های اسلامی، گردآوری: ناصر خلیلی تهران: کارنگ، صص: ۲۶۵-۳۰۰.
- نوری، نادر، (۱۳۸۹). «بررسی و شناسایی و مستندسازی آثار باستانی بخش مرکزی شهرستان کامیاران». سنندج: بایگانی اداره کل میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان کردستان (منتشر نشده).
- همتی‌ازندریان، اسماعیل؛ خاکسار، علی؛ و شعبانی، محمد، (۱۳۹۶). «بررسی و تحلیل سفال‌های دوره اسلامی مجموعه معماری دستکند زیرزمینی سامن ملایر». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۱۳، صص: ۲۰۶-۱۸۹.
- یوسفی، حسن، (۱۳۸۶). «بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی». مجموعه گزارش‌های باستان‌شناسی (ویژنامه دوره اسلامی). شماره ۶، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی با همکاری امور فرهنگی، صص: ۱۸۴-۱۵۳.

- Fehervari, G., (2000). *Ceramics of the Islamic World in the Tareq Rajab Museum*. London/New York, Tauris.
- Henshaw, C. M., (2010). *Early Islamic Ceramics and Glazes of Akhsiket*. Uzbekistan.
- Lane, A., (1942). *Early Islamic pottery: Mesopotamia' Egypt & Iran*. Faber and Faber, London.-
- Longing, S. H., (1925). *Four Centuries of Modern Iraq*. Oxford: Clarendon Press.
- Kleiss, W. & Calmeyer, P., (1996). *Ausgrabungen und Forschungen in den Jahren 1963-1967*. Berlin: Mann.
- Mason, R., (1997). "Mediaeval Iranian lustre-painted and associated wares: Typology in a multidisciplinary study". *IRAN*, Vol. XXXV, Pp: 103-135.
- Mleziva, J., (2019). "Iranian Blue-and-White Ceramic Jar". *Annals of the Náprstek Museum*, Pp: 121-132.
- Osten, H. H. V. & Naumann, R., (1961). *Takht-i-Suleiman*. Berlin: Mann.
- Pradell, T.; Molera, J.; Smith, A. D. & Tite, M. S., (2008). "Early Islamic lustre from Egypt, Syria and Iran (10th to 13th century AD)". *Journal of Archaeological Science*, No. 35, Pp: 2649–2662 .
- Samadi B. J.; Behnia, A.; Ahmadi, A. A. & Khosravi Zadeh, A., (2019). "A Survey on the Sassanid Settlements on the Plains of Dehgolan and Ghorveh, Kurdistan". *Ancient Near Eastern Studies*, No. 56, Pp: 189–213.
- Soustiel, J., (1985). *La céramique islamique*. Office du livre, Fribourg.
- Stern, E. J., (2014). "Imported Pottery from the Late Mamluk and Ottoman Periods at the al-Wata Quarter, Safed (Zefat)". *'Atiqot*, No. 78, Pp: 143-152
- Wade Hoden, R., (2011). "Fourteenth Century Fine Glazed Wares". London: Thesis submitted for the degree of Ph.D., Department of Art and Archaeology School of Oriental and African Studies, University of London.
- Wilkinson, C. K., (1973). *Nishapur: Pottery of the Early Islamic Period*. New York, The Metropolitan Museum of Art.
- Watson, O.. (2004). *Ceramics from Islamic Lands*. London, Thames.